

۸۲

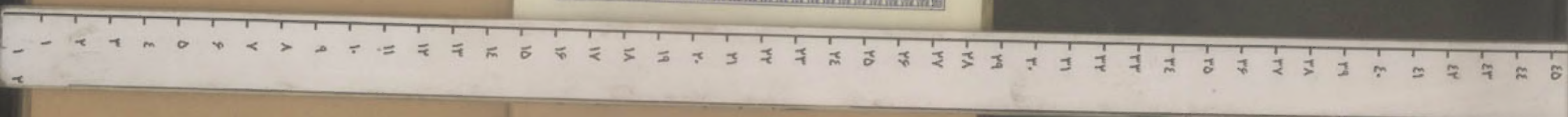
کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	_____
مؤلف	_____
موضوع	_____
شماره اختصاص (۸۲) از کتب اهدائی : لغزری	
شماره ثبت کتاب ۷۱۸۰۵	



مجلس شورای اسلامی

شماره ثبت کتاب

۷۱۸۰۵



کتابخانه	مجلس شورای اسلامی
خطی اهدائی	_____
شماره	۸۲

۸۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۱۱۸۰۵

کتاب

مؤلف

موضوع

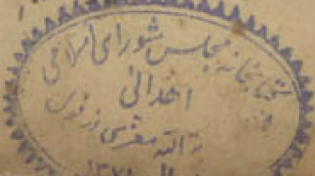
شماره اختصاصی (۸۲) از کتب اهدائی : بحرزی

خطی اهدائی

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۸۲

ب و منزلت او نزد حضرت عزت پس باید که نظر کند نظر کند بقول خود که ایام گرامی است
 ایام محمد اصم برب ترک دنیا خوار کرد پیش او را اگر گوید امانت کرد او را و دفع
 شد بجن خداوند بزرگ و اگر گوید گرامی است او را پس باید بداند بدستی که قدرتی
 خوار کرد غیر او را جانی که گسترانید و بیار از برای آن غیر و دفع کرد و بیار از نزد دیگر
 مردمان از و بجهت اراده خیر پس باید که اقتدا نماید اقتدا کند به پیغمبر خود صغری
 اثر او کند و در آید بجای در آمدن و اگر این میشود از هلاکت پس بدستی که خدای عز
 و جل را صلی الله علیه و آله نشانه قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمانت و بشارت و هشدار
 طاعت بجهت و پیغمبر شده ارباب محبت یعقوب بیرون رفت از دنیا شکم تهر از قبل
 و روزی داری و درود آمد با خست سالم از سعادت سالی نهادی با بسکرت ناکه که
 براه خود بجز ناشایست بداد القمار و اجابت کرد خواننده بدرگاه پروردگار پس حضرت
 و محنت خداوند موقوفی که انعام کرد با آن حضرت پس شش آمد که پروردی کنیم او را و در
 دین و کشند که در نور دیم راه در عتب او تا برسیم چنین سو کند بخدای تعالی که هر آینه
 رفقه و ختم در اعه خود را که اینست چند که شرم در شتم از رفقه و در زنده او هر گاه
 مرا گویند که آیا نمرا ندازی آنرا که شرم دور شو از من که نزد صیاح تا پیش میکند کرده
 شب روزه عاقبت آن شب که را که بجهت نزدیک شدن بمبرک لیل منزه و حق سبحان



برخود سازد پاشی از شب زنده داشت راه برید و صبح منزل رسیدت پس میکند
برید ترا چنانست حال مومن در وقت رحلت چون دید سلامت را از عقوبت استانی
سکینه تعب و دینا و آن مشقت را و این مشقت که مرد میزند از برای تحمل مشقت بامید رحلت
پس این جنبه بینه کاینت و مقصد با بر طریق اجمال و ماذکر میکنیم تفصیل مکارم اخلاق آنحضرت را
در جمیع احوال و تقاضای نفسش و برخواستن و نه کردن و در حضور بودن و ندیدن و آن برین
بخصوص آنحضرت و جمیع آنجه مردیت از آنحضرت و ایمه موقر صلوات الله علیهم نسبت باحوال عموم
و مردمان درین باب از حق جل و علا تو حق نخواهم و در اتمام این کتاب چه اوصل ذکره بر هر چه خواهد
توانست و در شورای هر کار بود آسانت و بهیچ پناه و توانست و این کتاب را ازین نام و نام بر
و ازاده باب **باب اول در خلق** در خلق حضرت رسانده پناه صلوات و در خلق او و سایر
شکل پنج فصل **فصل اول** در خلقت و صورت و سیرت آنحضرت و تشریح آنکه در آن
فصل دوم در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از آنکه بنزد کسی و غیر آن از آنکه کرد
تواضع و حیای آنحضرت و رو دینا **فصل سوم** در اخلاق آنحضرت صلوات **فصل چهارم** در صورت
آنحضرت از آنکه میدان آنحضرت **فصل پنجم** در ذکر غیر از سایر احوال آنحضرت **فصل ششم** در آداب پاک
در آداب پاک و خوشبویی و سرگشتیدن در روغن مالیدن **باب هفتم**
و سواک کردن و مثل بره فصل **فصل اول** در پاک و خوشبویی و آنچه در حکم آنست

باب چهارم در سرگشتیدن و خوشبویی و مالیدن بدن **باب پنجم**
سواک کردن بدن **باب ششم** در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است
مثل برشش و مثل **باب هفتم** در کمینت حمام رفتن **باب هشتم** در پوشیدن
باب نهم در مالیدن بغال و روغن زیت و کسبوس و غیر آن **باب دهم**
در تراشیدن بوی سرواز الکر کردن موی از باقی اعضا از عانه و غیره **باب یازدهم**
در شستن سر با خمر و برکنار **باب بیستم** در روز نهان **باب سی و دوم** در آداب
تاخن گرفتن و بردت چیدن و سر شانه کردن و اصلاح و محاسن نمودن و در آینه کردن
و حجامت کردن و مثل بر چهار فصل **باب چهاردهم** در تاخن چیدن **باب پانزدهم** در بردت
گرفتن و آنچه بدان متعلق است **باب شانزدهم** در شانه کردن بوی سروا و آنچه بدان متعلق است
باب هجدهم در حجامت کردن و الله اعلم **باب نهم** در آداب رنگ کردن و رنگ
و زینت و انگشتری و آنچه متعلق است بدان مثل برشش و مثل **فصل اول**
اول در رنگ کردن موی و زینت و آن و ذکر منافع آن **فصل دوم** در رنگ
کردن محاسن بیا هر **فصل ثالث** در رنگ کردن بجا و غیر آن و نهان دادن
بردت برای زنان **فصل چهارم** در کرامت نهان دادن و چه عین عایض او و بینه
و نوار **فصل پنجم** در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان و غیره آن

فصل ششم در آرایش و زیور زمان یک شتری و دست در بخت و غیر آن **ششم**
در آرایش لباس پوشیدن و ثمرت مقام و سکن دادن و آنچه بدان متعلق دارد
شکل است برده **فصل اول** در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن
آن **فصل بی** در نه کردن جامه و پاک داشتن آن **فصل ثلث** در پوشیدن انواع
لباسها و اختلاف رنگها **فصل رابع** در پوشیدن جامه فروخته و غیر آن
فصل خامس در بجز در پوشیدن جامه و توضیح و افتادگی در آن **فصل ششم**
در کرامت لباس ثمرت و نکته چند در آن **فصل سابع** در بیان ستاره و طالع
فصل ثامن در پوشیدن موزه و نقش **فصل ثامن** در بای سکن و آبادی و جایزیت
آن و معنی آن سر **فصل نهم** در جامه خواب و فراش و ستارخانه و توضیح آن
باب سابع در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است به آن
شکل است بر سیر **فصل اول** در قضیت طعام و آدن و بیکیز کردن در روز و شب
در شستن **فصل دوم** در آداب شستن و غیر آن **فصل سیم** در آداب خوردن و آنچه متعلق است
به آن **فصل چهارم** در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است به آن **فصل پنجم** در آداب فراوان
و بدان **فصل ششم** در قضیت نان بر سایر کولات **فصل هفتم** در دفع آفات **فصل هشتم**
در دفع کوشش و حشرات آن **فصل نهم** در ذکر شیرینیا **فصل دهم** در ذکر میوه ها

و کسی که باطل کند حق صاحب حق باطل کند و اگر او را در هر یک مقدار که باشد
باشد و فرموده که حق آنرا میفرماید که من و ام کرده ام بهشت را بر عین سخن چنین و منت نهاده
و فرموده که کسی که صدقه کند بهر بکرم مقدار که او احوال از نعمت بهشت بوی دهند و کسی که صدقه
صدقه بخاجی ثواب او بقدر ثواب صدقه باشد و کسی که نماز کند و در بیعتی بر نماز کند از نماز
ملک و از کسان که کرده اند زنده شود و اگر بایستد تا او را بجا آید که صدقه بکند که بایستد و در نماز
و قبل از نماز احد است کسی که اشک بر نهد و چنانکه از ترس خدا او را بکشد بهر بکشد و هر چه
بپایا که هیچ چیزی او را ببرد و بکشد و فرموده که کسی که بکشد رود و بطبعت نماز او را بکشد
منافق و هر چه بلند کند و اگر در آن ببرد او را ثواب جمل نماز شصت صدقه باشد و در شفاعت
او داخل باشد و مودن چنین بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** متناوبه نماز او را بکشد که از شریف
برای او کند و در روز قیامت در سایه عرش باشد حق تو را از حساب خلق فارغ شود و نماز او
از ملک ثواب **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** متناوبه کند و کسی که در حضور و صف اول
در یافتن کبر اول از نماز جماعت رعایت کند او را ثواب اندن باشد و دنیا و آخرت و کسی که
پیشوای جماعت کند در تحکیم افواج و تعیین الامت این تا در روز قیامت رستگاری او باشد
بر عمل پیوسته باشد و گردن پس اگر کسی و سوت میان ایشان نمی نموده باشد حق تو را از نماز او
کند و اگر در آن ظلم نموده باشد و آنرا بکشد و فرموده که در آخرت فرموده که در آخرت

نقش
نقش
نقش

و اگر از آن توبه میکنند بزرگ نیست متوکل است از امام محمد صادق که این حدیث متوکل است از خط حضرت
 ابراهیم بن محمد و امام المتقین علی بن ابراهیم علیه السلام و الثانی با ملاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 در وصیت که در پنجاه و سه حدیث از حضرت ابراهیم بن محمد علیه السلام و ابی طالب علیه السلام
 حضرت ابراهیم بن محمد علیه السلام در حدیث رسالت با صفا و آله مر اکتفا با علی و وصیت چند یکم تر ایا
 کیم و فراموش کنی یا علی آنکه خود خشم خود را و قادر باشد بر آنکس که خشم بر او کند و کند و حق سبحانه
 او را در قیامت سببی و ایانی که است فرماید که لذت او از لذت آنها نیکوتر باشد یا علی آنکس که
 وصیت کند در وقت فقر باشد در عروت محروم باشد از شفاعت من افضل آنست که صبح
 در آید و قصد نکند و باشد غلام و جو و بچکس یا علی آنکس که مردم از زبان و بد گفتن او آزار کنند
 اهل تشنه یا علی بدترین مردم آنست که بپوشد آفت خود را با کد نیای دیگران
 یا علی آنکس که قبول کند عذر آنکس که عذر گوید از اظهار بجز کند صادق باشد و خواه محروم ماند
 از شفاعت من یا علی بدترین کسی که حقش دوست دارد و دروغی را که بحیث صلاح مؤمنان گفته شود
 و دشمن دارد راستی را که فساد مؤمنان کند یا علی آنکس که ترک کند خمر خوردن از جهت خمر خدا
 آید و او را از شراب غافل کند یا علی آنکه در حدیث ابراهیم بن محمد علیه السلام فرمود با وجود آنکه از برای
 خدا ترک کرده باشد پنجاه و سه حدیث از جهت آن ترک کرده باشد که نفس او را مضرت
 نرسد که خدای تعالی او را از این خواصد هر با علی شارب خمر همچون بن پرست یا علی قبول نمیکند

یا علی
 و صلوات

ترک خمر

و در

حق تعالی نازش را تا جمل روز پس اگر درین چهل روز بجزد کافر مرد باشد یا علی مرتکب
 و اوست و آنچه که مرتکب بسیار او و کم او هم و اوست اگر چه بکثرت باشد یا علی هر
 کن مان در یک خانه است و کلید آن خانه شراب خور است یا علی بر شراب خور عستی
 می آید که نمیشناسد در آن ساعت خدای خود را یا علی بدترین کسی که خواب کردن کوی
 بلند آسان تر است از خواب کردن با او شناسی شخصی که سلطنت او منقضی شد باشد یا
 آنکس که نفع گیر و بد بین خود پس هیچ چیز نیست از برای او در شستن با او و آنکس که نور
 مر جفا کند و امام ندانند و دوست ندارند تو آنرا مر جفا کند و دوست دارد و او را اگر
 نیست یا علی سر او را است اگر باشد در مومن نیست خلعت و قار و بلیکن تر و افراط
 و صبر تر و بلا و عذاب آنکه شکر نزد آسانی و نعمت قانع شدن با آنچه روزی داد او و حضرت
 عزت ظلم کند بر دشمنان مشقت خود را بار کند بر دوستان بدی او از ایشان دور باشد
 و محنت مردم از خود آسایش باشد و راحت یا علی چهار طایفه اندک و عالی ایشان
 رو نمیشود امام عادل پوری که از برای سرزند و عاقد مؤمنی که دعا کند از برای برادر مومن خود
 غایبانه مظلومی که بر او ستم گرفته باشد یا علی مشقت کسی اندک اگر امانت کند ایشان را امانت
 نمیکند ایشان از دشمنان خود کسی که ناخواند بر ما یزد و خود طعام کسی رود و کسی که خود خانی
 کسی کند بی گشته او و کسی که از دشمنان خیر طلبد و کسی که عطیه خود را از ایشان و کسی که اصل

در خلعت

عستی از

حافظه
 امانت
 علامت

شود میان دو کس در سری و زانی که آن را داخل کرد است در آن راز نکند که بسبب کنند
 بپادشاهان و سخنان بچند و چیزی گویند که لایق حال ایشان نباشد کسی که بشنید
 در جای که لایق آن نباشد کسی که سخنی گوید یا کسی که گوش بخن او نکند یا علی و ام شمس
 بهشت بهرید کاری که شکار خود ساخته باشد خوش او پاک نداشته باشد از این
 میگوید و آنچه از برای او گویند یا علی خوشا کسی دراز باشد غرادر و نیکو باشد علی و یا
 مزاج میر و حشمت نور او دروغ مگو که میر و روی نور او بر تو باد که احترام کنی از خصلت
 از تخیل و اضطراب و کاهلی بدستی که اگر بخیل کنی خبر غیب کنی بر ادب کسی و اگر کاهلی
 او انبک کنی حق که از اینک کنی چون ثانی نور او بر دست مگر بخلی را بدستی که بر دارد
 هر چند بیرون میرود و از ایشان داخل میشود و در کند و دیگر یا علی چهار چهر است که توبت
 او زود می آید یکی مردی که نسبی باشی یا بدی بجای نسبی کردن تو بدی کند و دوم کسی که جوهر
 بر او گردد باشی و او بر تو جوهر نسیم کند مردی که تو نهند گردد باشی باو و فاکر و بد بان عهد
 و او نذر آرد و تو کسی که قطع صلح کنی یا علی انکس که اضطراب بر دست نشاند میر و دواز
 راحت یا علی دوازده خصلت در طعام خوردن که سر او را است مرد مساز او نشستن
 آن چهار فرض است و چهار است و چهار ادب مافرض بدانی آن چهار که میخورد و حلال است
 با و ام و بسم الله گفتش و شکر کردن و رافعی بودن بآن طعام امانت نشستن بر جای ب

دارد و آنچه که بگریز کسی از شیر و مکر و دست چنگ کردن باین خود در حالتی که محکم نشد
 و غل مکرده زیر که فرزندی که سپید اشود و دیوانه باشد و علامت کند مکر نفس خود را زیر که
 این کار خود کرده است و مکر و دست چنگ کردن در آن راز است ان و مکر و دست حدث کردن
 در زیر درخت میوه دارد و مکر و دست رفتن در خانه تا یک چرخ یا علی آنت حسب افتاد
 سر و زان کردنت که من چشم یا علی انکس که سر از هدا بر سر اندازد و مکر و دست گم نشد
 بر سر اند خدا و او را از همه چیز تا یا علی شست کسی اند که باز ایشان قبول نیست یکی غلامی که از خواجه
 بگریزد تا باز کرد و بوی خواجه خود و دوم زنی که با شوهر خود ناسازگار کند و شوهر از فضل
 او و غضب باشد سیم کسی که زکوة ندهد چهارم ترک کنند و وضو بخسمنیزی که پس
 مردمان نماز کند از وی متعجب ششم امام قوی که او را مکرده و انداخته ششم کسی که متب
 هشتم کسی که بول و غاریت بر و غلبه کرده باشد یا علی چهار کسی اند که بنا کرده است
 خدای تعالی از برای ایشان خانه نور نیست اول کسی که جادو بدینمی را و دوم کسی که رحم
 ضعیفی را سیم کسی که شقت کند بر مادر و پدر چهارم انکس که مدبر انکس یا علی خود یا علی
 سه خیر است که هر که آنرا بجای آورد و افضل مردمان باشد اول انکس که بجای آورد و در خیر
 خدای تعالی را پس عابدترین مردمانست و دوم انکس که پرمیز کند از عوام پس آن پرمیز
 کارترین مردمانست سیم انکس که قانع شود با آنچه خدای تعالی باو داده است پس غنی

از خدا
 که نماز را
 قبول نیست

چهار
 خا و در آن
 است

۳۳
 افضل

تبارک و تعالی است یا علی سه جز است که تقاضای خداوند این است یکی در او و اما
 و بیکدیگر که در او باشد و این تبارک و تعالی دویم انصاف و اذن مردمان از نفس خود سیم ذکر
 خداوند است و در حال ذکر خداوند است آن نیست که کسی بجان الله و الله و لا اله الا الله
 الله اکبر بگوید بلکه ذکر خداوند است آنست که چون نماز و تسبیح و توحید را می خواند
 و ترک آن کند یا علی کسی است که اگر انصاف کنی بایشان ظلم کنند تو یکی مردمانی دینی
 و از ازل دویم از ازل تو سیم خادم تو یا علی انصاف بگیرند کسی از کسی از او و از
 همه عالم از حال قوی از ضعیف یا علی تمت جز است که هر کس را و در باشد این
 تمت جز خلق که تمام کرده است حقیقت ایماز او در عالمی است که او است از
 برای او اول تمام ساختن و بعد دویم سبک کردن نماز سیم و اذن که او مال جهان است
 کردن عیب خود از مردمان سیم زبان خود را از بد گفتن بپایان داشتن شستن و شستن
 از برای کفمان خود کردن شستن بخت کردن این است خود یا علی حتی سجاده و تکیه
 لغت کرده کسی اول کسی که نوشته خود را شهادت و دویم کسی که در بیان آنها
 رود و او را رفیق نباشد سیم کسی که در خانه آنها خواب کند یا علی کسی است که بر شستن
 و بوی ایشان اول کسی که نجاست کند در میان کورستان دویم کسی که در راه رود و یکی
 پای او نشستن داشته باشد و دیگری نه سیم کسی که خواب کند در خانه آنها و کسی پیش او

یا علی تمت
 یا علی تمت

یا علی تمت

یا علی تمت

یا علی

باشد یا علی سه جز است که در دفع گفتن در این اول کسی که در دنیا با دشمنان
 دویم و عدو و اذن بازمان از جهت اصلاح ایشان سیم از جهت اصلاح دین و کسی
 در میان ایشان عداوت باشد یا علی کسی است که در محاسن ایشان دل را سیاه
 تبارک و تعالی اول شستن با مردم از ازل دویم شستن با مردم تو سیم سخن بسیار گفتن
 بازمان یکی سه جز است که از حقایق ایمان است اول انعام کردن با دین و ایشان دویم
 انصاف دادن با مردمان از نفس خود سیم علم بمردم تعلیم کردن یا علی سه جز است
 که در هر کسی که نباشد تمام نیست علی او یکی بر غیر کار که منع کند انگیزه از بعضی
 دویم خلق سبک که در او کند با مردمان سیم علی که اجتناب کند از آن
 از جلالان یا علی سه جز است که رحمت مؤمن است در دنیا یکی ملاقات کردن با
 برادر مؤمن دویم روز نشودن با روز در این سیم نماز تهنیت کردن در او
 یا علی نمی سبک نمود از حقیقت حدود و حد و کبر یا علی سه جز است که سبب
 درجات اینک است و سه جز است که سبب ملاک اینک است و سه جز است
 که نجات اینک است اما آن سه چیز که سبب نجات اول تمام کردن وضو
 در سنوات دویم انتظار صلوات سیم رفتن شب و روز بجا است اما آن سه چیز که
 کفارات گناهان است یکی افشای سلامت بر خاص و عام دویم اطعام مسکین

هم نازک کند و در دوستی که مردمان در خواب باشند بار هم تمام اما آن سه چیز
که در حکایت یکم فصل دوم هوای نفس سیم عجبیت اما آن سه چیز که فائدت اول
تر است از آنکه در آن سه شکار دویم میان بودن در توأملگری و درویشی و
جمع امور سیم ستم است که در آن سه غلبه یا شیر خوارگی نیست بود از شیر مادر
و بنی ستم کسی که در آن سه احتلام رسد یا علی برود و ساله را در رفتن چندی
کردن برادر و پسر و بخت یک ساله از جهت پسرش خدایان و بر دلت یک نورس
را در رفتن جهت پسرش بهاران و بروست و دو میل بخت مشایعت جواز و برو
سه میل جهت اجابت کردن کسی که تو را طلبد و برو چهار میل جهت زیارت برادر
و برو پنج میل جهت کار سازی خود ماند و برو شش میل برای یاری کردن مشکوک
و برو آخرش خواسته اند از حضرت آفرید کار یا علی مؤمن را سه علامت
اول نازک کردن دویم زکوة دادن سیم روز دوشنبه و خافق را سه علامت
کافی که حاضر است تلقی میکند و کافای که غایب است عجبیت میناید و کافای که بمؤمنی
مصطفی بر سرش میبندد و وظالم را سه علامت اول اگر قدر میکند بریزدستان
دویم کنار میکند یا بزرگان سیم اگر میکند ظلم ظاهر بعد از دست و اهل ریاء را
علامت اول اگر نکش میکند در طاعت نزد مردمان دویم کاهلی میکند در ناز

دستی که خواب باشد سیم دوست بداند که ایشان را هیچ گویند در هیچ امری با علی منافق را
سه خدمت یکی اگر آنکه هرگاه که سخن کند بر وی گوید دویم آنکه در هر خلاف کند
سیم آنکه امانت که بدو سپرد خیانت کند بای نه چنان است که فراموشی می آورد و یکی خوردن
سبب ترش دویم خوردن کشتن سیم پرخوردن چهارم نخوردن موش خوردن پنجم
کتابها که بر سنگهای قور نوشته اند ششم از میان دوزخ گذشتن هفتم شش زنده
اند اخلق ششم قیامت کردن از قنای سیم نهم بول کردن در آب بسیار یا علی
مردمان در سه چیز است اول خانه فروخ دویم کزک خوشش شکل سیم آب قنار علی
بخدا سو کند که اگر مردمان بزرگ و در مرتبه دین چایی باشند هر آینه حق سبحان
بر آنکس و با وی که با ایشان را از آن قور چادر برون آورد و مسلط گرداند مردمان بزرگ
عالی مرتبه در دوستی که دولت سلطنت و پادشاهی مردمان شرف افتاد یا علی
اکس که نسبت به خود را بغیر و نامی خود بروست لعنت حق و آنکه منع کند مرد و مرد و را
بر آجسی بروست لعنت خود او کن مسلمان را بکشت با حق یا حاجت کند کشند و
بر او بروست لعنت حق یا علی مؤمن کسیت که این باشند از مسلمانان و بر مال خود و بر
خان خود و مسلمانان انکست که بدست باشند مردم از دست و زبان ایشان و صاحبان
کست که دور شود از کسان خود یا علی حکم ترین ایمان کسی است که دوست دارد

در هر وقت بختی از برای خدا و او را در هر چه دشمنی داشته است از برای خدا
 خداوند تعالی باریست حق سبحانه و تعالی او را بهر کسی که در روز قیامت از او امر شود
 بگوید که بیا و ایستاده است علامه در حق فرمود که اجابت دادن ایشان بکلمات
 و در و سپردن و تعویضها به پوشیدن حجابهای تنگ نازک بختی که انداختن تمام نماید باطنی
 بردستی که حق سبحانه و تعالی برده است بسبب السلام بختری که در میان مردمان بوده
 و در میان جاهلیت و تعاقب ایشان بر پدران خود بدان و آگاه باش که مردمان از اول
 آدم اندوخته آدمی از خاکست و اگر ای ترین ایشان متقیانند باطنی و است باطنی
 مردود و سگ شراب مردن را بنده و رشوت گرفتن در حکم و اجرت کاپن باطنی
 به که امر از علم که تقاضا کند برسیان یا جعل کند بر عالمان یا دعوت کند خلق را به بوی
 خود تا متعاقب شوند و او را تعظیم کنند پس او را از اول در خدمت باطنی هر کار بدهد و کار
 که مردمان گویند چه چیز است که داشته نوشته گمان گویند آنچه پیش از خداست
 علی صلوات الله علیه و بنار آتی مردمان است و جنت کافران بهر کسی مردن ناگهادر
 از برای او من و حشر است از برای کافران باطنی و چه فرمود حق سبحانه و تعالی بهر
 دنیا که ای دنیا خدمت کنی انکس اگر مرا خدمت کند و محنت نبرد انکس که مرا
 خدمت میکند باطنی که دنیا را قدر و بهیمنی می جوید پیش حق سبحانه و تعالی خدا را بر کسی

517

تمیز روح کافر و کیمیم آب از دنیا بهج باب با علی بچک نیست از اولین و آخرین الا که خداوند
و فرقیست که ای کاش غیر از قوت قیود و نهج زیادتی نمید و در با علی بجز بر مردمان
انگست که در افغانی باشد بقضای الهی با علی ناز و حوسن تسبیح و تهلیل او نه بلیست
و خواب او بهتر عبادت و کرد و بدنی از بهر سببهای دیگر جهاد است در راه رسالت با علی
اگر چه پیش من پای کوفته می هر آنکه قبول کنم و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت کنم
با علی بر زمان ناز و جموعیت و جامعیت نیست و با این قامت نیست و بر سرش مریض
و در روز رفتن چهار زمین و دو بدن میان صف و در نیست و بوسیدن حجر الاسود
و سر تراشیدن نیست و نه توبه قضا و نه مشورت کردن با آنها و نه فرج کردن مکر و نه فرج
و نه بلند گفتن بیک درج و نه اقامت کردن نزد قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن
از برای صلاح و نه بیرون رفتن از خانه مگر بر حضرت شوم پس اگر بیرون رود و بی خبر
گفت نمیکند او را خدای عز و جل و جبرئیل و میکائیل و باید که نذیر از خانه نماند
مسی هر رست بود باید که شب گذارد و زن شوهر قیمی با وی بغضب باشد اگر چه شوهر بد
ظلم کرد باشد با علی السلام برهنه است و لباس او حیاست و زن شیر او و نکست
و میراث او محل صلح است و ستون او و روح است هر چیزی را اساس و بنیادیت بنیاد
اسلام و دوستی اهل بیت مصطفی است صلی الله علیه و آله با علی بن ابی طالب و خوست و اطاعت

که از این چنانکه است با علی شوی اگر هست از زبان زناست با علی بخت یافته
 ترسکاه آن از خدا و ملاک شده اند پاکش از این بکسی با علی هر که دروغ بنویسد و برین
 پس بسیار از جلی خود را از دروغ با علی بچیز است که زیاد میکند خط و میر و نام را
 جلیبدن کند و مولا که درین و قرآن خواندن با علی مولا که درین سنت و آن پاک کند
 و مانی است از کوشش سازنده وید کانت و رافعی کنند و رحمانت و سفید کنند و نه
 و میر و زنی روی را و حکم مبر از پنج دند از او است نه می آورد با علی سلام خوردن و میر
 بنم و او در حفظ می آفراید و حسنات را از اعف میارود و از شکران اش و مکر و از علی
 خواب بر چهار نوع است اول آنکه با علی علی السلام که ایشان از بر قضا خواب برده است
 و دوم خواب مردمان که ایشان بر مملکتی است خوابند سیم خواب کاروان و منافقان
 که ایشان بر مملکتی است خوابند چهارم خواب شیاطین که از روی افتد و خوابند با علی
 نرسا و خداوندی است پنج خواب را که اگر کرد ایند فرزند و ذریه او را از پشت او و اگر کرد
 فرزند آن مرا از پشت او و اگر کرد او را از پشت او و اگر کرد او را از پشت او
 پشت اول بپوشای که عافی شده باشد خدا او را و مرد و مملکت او باشند و دوم بپوشای که شکر او را
 محافلت کند و با شکر خود خیانت کند سیم در پوشی که کسی که عاقلی او کند چهارم
 بر با علی برستی که بلا طلب در حالت جاهلیت چهارم خبر از شکر خود ساخته بود و که خداوند

نام آیه قرآن و ستاد بر طبق و ثابت ماند اول آنکه بپوشید افت که زن و بد و مملکت او
 خود را بکلی در آورده و این آیه بر طبق آن نازل شد که و لا تنکحوا ما نکح الاخر که من المکار
 و دوم آنکه بپوشید و برین کرد و شمس و این آیه بر طبق آن آمد که و لا تملکوا انما غنمتم
 من شریک فان الله حنیة تالفة بیه سیم چون جلیه زخم را کند نام او نهاده و غایت
 طحاج و بر طبق آن این بیت آمد ایحکم سقایت الحاج چهارم که در دست از انان
 که باقی گفته صد شتر نداده بود و حق سجاده و قضا او را جاری کرد ایند و بپوشید و
 در اسلام عجم برای متوافع بودی و نور بود و زو قریش را و نور نمود که گفت با طوف کند
 و خداوندی است از اجاری داشت در اسلام بپوشید و با علی بپوشی که عبد المطلب قادر باشد
 و بت بر پشید و گوشت حیوانی خورد که نام بقال گشته باشد و گوشت من بر ترس بد و خودم
 بر سیم علی السلام یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان و عظیم ترش ایشان از روی
 عین قوی ایند که می آیند در کفر و زمان پشور و اندیده اند و حجه از ایشان پوشیده پس ایمان
 آورده اند یا علی بپوشید یا آن الله است یا علی بپوشید که سخت بی گناه دل را بی گناه می ماند
 شیندن و دوم طلب صید کردن سیم چانه سلطان رخص یا علی نماز مکر و در پشت
 چیزی که شیر او را نهاده و حور گوشت آن چهره را و نماز مکر و در ان زمین کرده و شکر
 چنگ کرده باشند و در زمین که حرم خود و قوم عاد و ملاک شده باشند یا علی بپوشید و حور

اسرار

ای که از غرضه ان تو بفرست عالم را بخت دیگر معلوم شد بر کنه قاطعه پیر بر حال عالم علی
 باقیم من تر از یک نام خود و چهارم قتل و کشتن اقم و بطن کردن و التشی که در ابا سلمان
 می رود چون بخت پیش قدم رسیدیم دیدم که بخت نبشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله آیه
 بود و حق و یقین بود و یقین پس از جبریل علیه السلام رسیدم که در زمین کیت گفت
 علی بن ابی طالب علیه السلام چون بعد از التشی رسیدم دیدم که نبشته اند که لا اله الا الله انا
 لا اله الا انا و خدا حق می آید او صغوفت من خلقی ابو ذر من و نفقه بود و حق
 پس از جبریل علیه السلام کردم که در زمین کیت گفت علی بن ابی طالب علیه السلام چون به پیش
 رسیدیم دیدم که نبشته اند در ستونها اوان الله لا اله الا الله ان و سوره جیتی اند
 بود و حق و یقین بود و یقین با علی بدستی که فضل و جت که در حقیقت خلقت که تر است
 بدستی که تویی اول کسی که با من نشینی در قمرهای نبشت و تویی که با من تر است
 طو جوی می و در طوفانی سر علم از شک بعد از ان بخت نبشی که با من نشینی که با من نشینی
 دینی نبشت گفت چون حریف می شوی تر از خلقت هست که با من نشینی که با من نشینی و دعای تو
 قبول می نماید و حق است که تر از جت است بر تو که هست که با من نشینی که با من نشینی
 و خود بانی در حق علی که از جت نبشتی کنی که با من نشینی که با من نشینی که با من نشینی
 خواست و جت است که با من نشینی که با من نشینی که با من نشینی که با من نشینی که با من نشینی

که ان از دوست دارد و با ایشان هم نشین باشند و با ایشان نشین کنند
 بدترین جنتی و خدا اند میگویند که بر دین منند و برنت و طریقت برنت
 من لیکن من از ایشان پیرانم و ایشان از من پیری ای پسر مسود با ایشان
 من نشین و عرید و فروخت من و اب با ایشان مد مسودت و جت ای که مر آنجی و تباد
 بر خلق که خدا ایشان را میمون و خوش گرداند و در زمین فرو برد ای پسر
 مسود کسی که علم بیاورد جت دنیا و غالب شود و در دینی دنیا و دینیت
 انشی عقاب خدا شود و در درک الاسفل بایهودان و نصرانیان
 در رو ای پسر مسود هر کس که قرآن جت دنیا بخواند نبشت بر او حسرام شود
 ای پسر مسود کسی که علم بیاورد و با آن عمل کند در روز قیامت کور باشد
 و کسی که علم بیاورد و بر یا جت دنیا و التعمیر که از او بردارد و معاش بر او
 گرداند و خدا او را بخون واکند ارد پس هلاک شود ای پسر مسود باید
 هم نشینان متیقان و زامدان بایشی ای پسر مسود اینجاست مگر آنکه
 میداند و نیکو را منکر پس حق را یعنی پستد ای پسر مسود بر تو باد
 که از خدا ترسی و در اجابت بجای ای ای پسر مسود ترک آنچه
 ترا نمی بکار آید و قصت که آنچه ترا بکار نمی آید ای پسر مسود بر پیران از آنکه

تو که طاعت کنی و مقصد است ای سپهر پرستگار می کن از لذتها و شهوات
و زینهای آن در خوردن و سیرام و طلا و نقره و مرکبها و زمان و سیر زدن و خوردن
طلا و نقره و کاک و کوسند آن و شتر و زراعت بدستی که اینها متاع
دنیا است و آنچه تر و حق سبحانه و تعالی از ثواب و بارگشت یکبار ازین
ای سپهر مسعود چون توان خوانی و بایستی برسی که در و احوال و نبی باشد
که رنج آن و ملاحظه معنی آن کنی و از این پند و اعتبار گیر و غافل شو
از آن ای سپهر مسعود بخند ای که مرا یکی بخلق فرستاده که زمانی در
در آید مردمان که شراب را حلال و افند و نام از این پند بهند لعنت
خدا و ملائکه و جمیع خلایق بر ایشان باد و ایشان از من دورند
و من از ایشان بری و پیرای سپهر مسعود زمانا با ما در سهیل است
نزد حق سبحانه و تعالی از خوردن و بازیگر که بکند به شراب است
ای سپهر مسعود این جماعت طیب که کسی را که بدوست نیست
و وضع خدای تعالی ای سپهر مسعود بد پرستگار خستی چون کنایه
منتهی است مثل شتی شراب بکشد از آن ای سپهر مسعود
دنیا نعمت و جود است آنچه که در دنیا است و هر کس که از

کسی از آن نعمت بفرستد و آنچه بخوانی مثل فرمودی و موالت بان میباشی دیگر از آن
مجموع مکه شتی و سه جزا نیست بر کسی که انکاشتی جلد کنوی و انکار کنی و انکار کنی
نکفر و سه جزا رواند شتی کسی مانند تو نمودی و سه زشت نمودی و یکس نیز نمود
که که در صحن آن امید توانی بودی و چون تکلم نمودی حصار محبس سرد پیش انداختی مسکین
و کسی با یاری کفار بودی و چون خاموش شدی حصار محبس مستکم شدی و در حالت سخن کردی
یاری ساز عتد انداختی و هرگاه که کسی کردی سرگوش استند خاموش میشدند و در هر خری
ممنوعان خند کردند آن نعمت تبسم فرمودی و موافقت ایشان کردی و از آنچه این
نقد استندی آن نعمت تبریک شتی و اگر غری در محبس می نشستی کنایه چیزی بود
آن نعمت بران مبر و محل فرمودی و جانش را بر آوردی و احوال کردی ای سپهر که چنان خندیدی
عاجی پیش نهاد آورد و در رد کردن جایش سر نایب و از محبس صریح قبول تو نمودی و بایستی
عرض آن نایب کلی بوی نرسایندی و سخن کمی در میان سخن بزریدی و چندان خوش بختی
که او سخن را تمام کردی و دیگر امام حسین که فرمود که انچه بزرگوار خود پسیدم که سکونت
چگونگی بودی فرمود که سکونت و خاموشی آن نعمت چهار چیز مشی بودی بر جمیع و جزو
و بر تمام احکام و یکبار آن نعمت را بفرستی و مقصود عارض گشتی و دیگر که در آن
و صبر بر آن نمودی و در امور خیر و نیکی ظاهر کردن تا است بوی ابرو اکتد و از آنجا

و ترک جهالت دور باشد و دیگر در ترک فحاح و بی باکی فرومودی تا از سر و نقصان
 و معنویت و دیگر در اجتناب و تنه بر ما در چهری که صلح کافه است بودی در آن و دیگر
 در ایستادن صفت و قیام نمودن با موری که خرد پیوست و اخروی است در آن بودی و کوا
 است را نشان بودی و نیز بختی نمودی بپیشتر در میان مردم و استماع کلام ایشان
 کردی و چنین گفتند از امور نانی و پیوستی **فصل دوم** در بعضی از احوال اخلاقی
 آنحضرت ص که کتاب شریف البیرونی و غیر از کتب که در توضیح حقایق آنحضرت در و دیوار
 روایت از ابن ابی کاک که رسول ص پیش پادشاه امت رفتی و پیروی جازمان
 کردی و ترم بر این ن و هرگاه او را بخوانی اجابت نمودی اگر چه غلام بودی و
 بر دراز گوش سوار شدی و در روز غزای خیبر و بنی قریظ بر دراز گوش سوار
 گردید و آن و اعتبار او از لطف خدا بود و دوست نداشتی که از برای او قیام نمایند
 و هر کس از اصحاب که نود و ستصد تنی قیام کردند که قیام موجب کرامت خاطر
 مبارک آنحضرت شدی و نیز مردی از آنس که آنحضرت بزرگوار و طعام تناول
 کردی و گوشت را در شیبی و نیز مردی که آنحضرت بر کوه کمان سلام کردی
 و بر عورت نیز سلام کردی بر او بیت اسمای ن زیاده این مسود روایت کرده که
 شخص محبت آنحضرت صلوات الله علیه آقا زنی کرد که نزد پیران امام الشافعی و آنحضرت

این حدیث
 در کتاب
 البیرونی

کرامت
 آنحضرت

اندک

از روی رحمت و مهربانی فرمود که خوش است و پاک مدار که من از ملوک نیستم بلکه خدای
 عورتی هستم که گوشت قدید خوردی و روایت از ابی که حضرت زین العابدین را در میان
 چنان نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیوسته است مادر خواست کردیم که محلی برای غریب
 مسکین سازیم تا مختار باشد صفت ساجیم از کل که آنحضرت بر آنجا نشست و باران در جوار
 وی نشستی تا اگر غریبی پناهی راه بردی چون بجان نشستی جانی پاره خود را در
 و نیز خود را پیچید کردی و کارهای درویشان نسبت باطل خود را آوردی و بهترین مشای
 دی خدای بودی و از امام جعفر علیه السلام مرویت در کتاب التنبیه که زنی جز بانی بود روزی
 آنحضرت آمدی و آنحضرت طعام شادل میفرمود آن زن گفت یا محمد خود دست چون
 خوردن علامات و نشست چون نشستی این فرمود و ای بر تو کدام بسته از من
 نیت و کدام غلام از من غلام تر آن زن گفت از آن طعام که بخوردی لغت بمن و لغت بردا
 که بوی دهد زن گفت لا والله آن لغت میخوانم که در دستان است آنحضرت لغت از دهن بیرون کرد
 و بوی داد امام جعفر فرمود که تا آن زن زنم بود دیگر زبان لغت بدی نمیشود گیر
 از وی بدی نشود تا از دنیا مفارقت نمود و دیگر آنس که ایام کرده که نه سال در خدمت
 آنحضرت صلوات الله علیه بودم ندانستم که هرگز بمن گفته باشد که بر او بچین کردی و چنان خنثی
 و هرگز چیزی را بر من نگوید نو نمود دیگر روایت کرده که دو سال در صحبت آنحضرت گذرانیدم

الحنف

این حدیث

تا به وسیله نجات تو شود در روز سخت و پس دنیا را در کم کردن در هر را
 امانی کرد آن بر جای که داری و در هم دیگر را پیش فرست برای آن خوت بجهت
 رضای باری در این سیم اگر هست آری هر روز در دو فایده ندارد و باز کردن
 آنرا که و یا است بر تو اگر از دست گذاری و دیگر فرمود دنیا را در کم کردن
 که حرف کردن در طلب معال و کلمه دیگر بجهت رضای تو بجهت و کلمه سیم اگر خواهر
 هر زبانی و فایده نیایی باز کردن و از دور بگردان باز گفت که مرا بیکه غم زد
 که در دنیا و نام آن را لغت کنیم که مرا پس خود را که ای پرک من بر آن که دنیا
 در دای پی پای است و بسیاری دروغی کشته اند پس تو در آن خدا را شستی خود
 کردن و با و بان آنرا که تو کل ساز بر خدای تعالی و کرد آن را خود در او تو کرد
 اگر نجات یافتی پس آن بر حجت آید و اگر ملاک شدی پس آن بکتمان
 و بپای دی پرک من سوگن بشیر و موزه و عامه و حجه و شک آب و وزن
 در میان و انجیب توانی از او و فایده سند بجهت خود و رفیقات و بارها
 موافقت کرد در نصیحت اگر امام جعفر صادق علیه السلام بود که مردمان کان
 میکند که قوت بیاید است از دست و از من و خود و حال آنکه اعظم قوت طاعت

ایمان

آنکه این باشد از مومن و دیگر از غف شدن و دیگر از زردان و در حال دنیا
 این دعا بخواند اللهم سقنی من ماء الایمان و یومئذ یصلح الیک کل شیء
 و قل فی جبل الانعام ولا یبقیه الا ایمان من عنده و یا ای که استاده دستا دید
 و یا تحت لطف محمد بن علی گوید دیدم علی بن حسین را که طایفه فرموده است و آنرا
 سور بود و ابو عبد الله در روایت کند که رسول مصلح طایفه سعید مصری بر سر میخانه
 در حال حب طایفه بر سر که دو کوشه داشت و از امام رضا علیه السلام پرسیدند از مرد
 که پوشیده بود طایفه در ازی که بر پس مری اندازند فرمود که ابو سعید ای
 آنرا میداشت بجهت آنکه مانع آفتابی بود اما در غیر آن منع میفرمود و میگفت اثر
 پوشش بود است حسن بن نجیبا که گوید که امام موسی ص فرمود که مرا بفرما برای من
 طایفه بماند که بنا کن در و چنان سازند که مثل من بسوی رالایق بنا به که می تیر
 باطن در و چنان ساخته باشند پوشید **فصل ششم در پوشیدن موزه و کفش**
 و او ایست که حضرت سید و امیر المومنین علیه السلام موزه پوشیدندی ابو صبح نقل
 میکند از ابی عبد الله که امیر المومنین علیه السلام در سفر موزه شب باقی بودی که سوار شدی
 چون احب کار موزه پوشید خواهی که موزه و دیگر پوشید تا کار موزه از آسمان نهد
 آمد و آن موزه را بر دوشته بالا گرفت چون موزه آن موزه را از موزه انداخت

طایفه

او آدمی بیرون آمد و در دینیت که موزه سیاه پوشیدن سنت است و موزه سیاه
 متعارف است و سفید طریق پادشاهان و در دینیت از ابی عبد الله علیه
 که در موزه سیاه پوشیدن سنت است اما در حضرت و ابی عبد الله علیه السلام
 در راه که پوشیده بود و از آنکه نام علیه السلام بودیت که موزه پوشیدن بجهت
 حفظ و چشم بسیار نیکوست مقول است از ابی عبد الله علیه السلام که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله
 برخواست شمر گفتش پیش ای آنحضرت نهاد آنحضرت دعا فرمود که اللهم ان
 عیونک هذا الیوم ففی کل یوم اورد اند که روزی آنحضرت معصومه فرمود
 آن ابراهیم طریقی ریخت شخصی بر جبت و آن ابراهیم خود حضرت دعا کرد که اللهم
 ان عبدک یحب الیک فاحبه و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
 که گفتش پوشیدن بدن را نگاه میدارد و دست در نماز پاکی و سنت است که
 اول گفتش را پای است پوشند و در وقت بیرون کردن از پای چپ بیرون
 و دعای بیرون کردن دینیت که در وقت گفتش و موزه پوشیدن بخوانند اینست
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
 وَ اَلَا حَوْلُ وَ اَلَا قُوَّةُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 و چون از پای بیرون کنند این دعا بخوانند که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الا

وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ اَلَا حَوْلُ وَ اَلَا قُوَّةُ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 و ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هر که در موزه سیاه پوشد و در وقت گفتش را
 و از بکر بریت یا بار خود را بردارد امام محمد باقر علیه السلام میگوید که پیغمبر صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر که آب پاشد در حال ایستادن یا نیت کند بر قبری از جنوز یا رغم
 خواب کند یا بیک گفتش راه رود و عارض گردد او را شیطان و از او نجات
 بخشد مگر آنچه صدای تو فراه و روایت کند امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت بل صمیم
 فرمود که بیرون کردن گفتش را از پای خود که آن سنت است و حشمت نیکوست در بار
 و بسیار حدیث ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هر که گفتش را در پوسته آن کند نشود تا
 از مال فایده و خوشحالی پاید بعد از آن این آیه کریمه را بخواند تا فایده صغیرا
 فَاصْبِرْ لَوْ أَنَّكَ كُنْتَ تَارِكًا لِلْآخِرِينَ وَ اَوَّلِيهِمْ فَرِحَ وَ اَوَّلِيهِمْ فَرِحَ وَ اَوَّلِيهِمْ فَرِحَ
 تا آن کند تا سیان بن سدید گوید که من بجهت ابی عبد الله علیه السلام فرمود
 گفتش سیاه پوشیده بودم فرمود چیست که تر گفتش سیاه پوشیده ایمان یافته
 در آن رجعت بدت گویم که امت فرمود که پیانی چشم را صغیرا میکند است
 تا سل راست میکند و غم مر آورد و آن از پوشش جبار است برت از پوشش
 گفتش زد که آن بر خلاف اینست پیانی را نیز میگرداند و آن را حکم میکند

[illegible][illegible]

که بر سر کوه کان بنشیند که نامش است اذن اهر دوی کوه که چنان کردم و چون گفتم
 هم از منقول که در کوه را بخار نکند و منقول **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
وَكُلَّ الْأَشْيَاءِ فَلَمَّا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتُنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَحْشًا كَمَا أَنتَ
الْوَحَّابُ اگر خوشی شد بر ما و الا یکر و خود میدی و در غم کن و یکوب چنانچست
 شود و چون بران سر نوشت قل بعد الله احد و بعضی آید و هر که در وقت
 شگایت کرد و دوی از اهل مرد و نزدانی عسبه الله از دود و خود که نزد یک
 بمن دست مبارک را بر سر من نهاد و این آیه را خواند که **إِنَّ اللَّهَ يَسْتَلِ**
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرُكَا وَلَكِنَّ قُلُوبَهُمَا غَافِلَتَا است که از من احدی من بعد این
كَانَ لِيْلَهُمَا عَقُوْرًا پیر عادت نکات شگایت کردم نزدانی عسبه الله از دود
 شقیق فرمود که چون از فریضه فارغ شوی انگشت سیبیه را بران دو چشم خودی و بنشیند
 بکوی یا حنان اشقی پس انگشت را بر دوی رات بال بعد از آن بکوی یمنان اشقی
 و انگشت را بر دوی چپ بال بعد از آن دست راست را بر میان سه خنده و دو
يَا مَنْ كَانَ لِلَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ صُلْحًا اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 و بتکرار آن در چشم منقول از حضرت امیر المومنین علیه السلام که هر که در چشم
 باشد یا به آیه الکرسی چشمت خواند و در دل خود بگذراند برستی که برکت آن صحت سیبیه

السلام

قَدِيرٌ و همچنین **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَذَ النُّونِ** آخر آیه و فاتحه کتاب
 هست نوبت خواندن نافع است و همچنین **لَمَّا أَخْبَا مِنْ هَذِهِ لَكُم مِّنْ**
بَيْنَ الشَّاكِرِينَ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَعَلِيمٌ و منزل من القرآن
لَمَّا هُوَ شَاءَ وَنَحْنُ لِّلْمُتَّئِنِينَ در وقت شهادت الله امر یا نبی الخیات
 افروزند و اعضا می خورد و بویید و بر ساق و بر ساق جگر احتباس بول بری
 چپ خود نزدیک که **فَخَلَّانَا الْوَابِ التَّمَاوُمَا مِنْهُمْ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عَيْنًا**
فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَخَلَّانَا عَلَى آيَاتِ الْوَالِحِ و سر چپ را بر زمین
 جگر و لیق کان که به نافع است نکت از حیران که نوشتم ایام علی الغی
 که طایق من فدای تو باد نزد ما شخصی است و از دوستاران نماست و نام او
 قائم است و چیس بول دارد و التماس دعا میکند از شما که برکت آن نمایا به
 آنحضرت دعا فرمود که فدای تو دفع صفت او بکند و از تو مکر و نیت و یار را
 بر دارد و بیالقه بسیار خود را کس با که باید که قرآن بسیار بخواند که برکت
 آن نمایا به **اعُوْذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ الَّذِي بَاذَنَهُ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ**
وَالْأَرْضُ قَالَ مَا تَتْلُو يَا عِمْرَانُ لِمَ نَقِضُهَا دِيحِ الْأَوْجَامِ اسْمُ بِسْمِ اللَّهِ
الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ بِسْمِ اللَّهِ الْمُنْتَغَاثِ بِاللَّهِ عَلَى مَا هُوَ كَارِهُنَّ وَ عَلَى

كل شيء علما

ما قد كان أشهد أن الله علم كل شيء واني الله قد لحاظ

بسم الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله والذين

معك أشدوا على الكفار رجاء يئسهم رجاء تجدنا أو سور ما حبسوا
عرفت على نبي الكلام وبغايا الله الشدة التي هي فوق الأرواح و
الأجساد ولا يبقى روح ولا نود الأغباء بسم الله الذي قال السموات
والأرض اثنا طوقا وكفا قال أنت طائفين صلى الله عليه وآله
بحوان أينا يحرمه من قباير ما يذكر حجة ومعنى باب صرحوا

بدايت از ايم كرم عليهم الصلوة والسلام كبريانه دو قدر از سجد و يك قدر از
زعفران و با عمل صاف خير كند و طو لها از ان باز و در جام آئين بر عذران
نوب كرم بسم الله الرحمن الرحيم عليك الصلوات والارض ان تزدك
ولكن قالت ان امك ما من قبلي من احد اية كان حكما عقولا ناسي
جام را از اين آية نوب و سر و نوب و باب سر و نوبه در يزد شينه با ك
ورق آه بستانه و بنويد بعد او بر ان آيت و فاحت الكتاب و قتل هو احد

سبار و قتل اغويزب الناس و قتل اغويزب النعم و آية الكرمي و آف سور حشر
و لغو نبي اسير و يكر نريد كرم بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يملك السموات
والارضين ما آف آية و جريد كرم يا من هو هكذا اغيرة امك عن فلان بن فلان
ما يجتهد من غلبة البطل و اين فتويد را برز انوي او بستانه و اگر زن باشد و اگر
مرد و بستانه و بر سر او و بر سر او و در وقت خواب از ان طو لها از سجد و عذران
صل كن بعد از از آب كرم آيت را بايد بآن است و پيا نامة و كرمه من غير النار و
نواد اذهب ما يجتهد من غلبة البطل و اين فتويد را برز انوي او بستانه و اگر
آيول تر شود و نوب در بيان حبيب زن عالمه بنود كرم بسم الله الرحمن الرحيم
محمد رسول الله كانتم يوم يومها لم يلبسوا الا عيشة او صلبا اذ التماس
الشفقت و اذنت لربها و حقت و اذ اجاء نصر الله و الفتح آتاه
واوكت الاحال اجله ان يصنع حمل من الخرج باذن الله و قد يفر
اخرج يا ذن الله من البطن الطيبة منها خلقناكم و منها نميتكم و منها
نخرجكم ثمان اخرجي و بمن نوب برق آه و بران زن عالمه بنود است
نوبه اية فلان مع العشرة او كرمه اية يا ايها ان سلس التقوا ربكم ان
زلزل السامرة في عظيم يوم نوها نذ هل في كل من جنة عما ارتفعت

نعيذ

والله اعلم

45

卷之四

وَبِعِزَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَزَامُ وَتُقَدَّرُ اللَّهُ الَّتِي لَا يَمْنَعُ مِنْهَا مِنْ شَرِّ هَذِهِ النَّجْمِ مَنْ
مَا اجْتَمَعَتْ مِنْهُ وَانْهَارَ رُوحِي يَا بَرْنَامُ نَوَيْسِنْدُ وَبَابُ بَارَانِ بَرْنَامُ وَارْتَسَبَ مِنْهَا شَائِدُ
شَامُ بِبَانَامُ نَامُ است **دفع بخت شک** این آیات بخواند بر دهن و بر شکم خود ایشانده
و بر خود ببالد بسم الله الرحمن الرحيم فَتَحَّتْ الْقُلُوبُ لِلْإِسْلَامِ بِمَا مِنْهُمُ وَفُتِحَتِ الْأَرْضُ
عَيْنًا مَا لَمْ تَكُنِ الْمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ قَدْ تَدَدَّ وَحُلَّتْهُ عَلَى دَابِ اللَّاحِ وَدَسَّحَتْهَا عَلَيْهِ قَوْمًا
حَلَّ لَيْسَ بِاسْمِ مَلِكِ بْنِ هَذِهِ أَوَّلَهُمْ بَرَكِي الَّذِي كَفَّرَ مَا أَحْبَبَ رَأَيْهِ وَبَحِينَ مَرُودِيتِ
از ای عبد الله که نویسد بجهت دفع بخت شک که بسم الله المعلنون الذين لا يمتثلون
تَعْبِدُونَ قَوْلَ اللَّهِ لَنْ تُوَاطَّيَّا يَكُونُ صَاحِبُهُ مِنَ الْقَوْلِ الْعَلِيِّ
كَذَلِكَ يَشْفِي مَلِكُ بْنُ هَذِهِ مَتْنُ نَوَيْسِنْدُ بعد از آن مرد عن بران بریزد
و چون دهن و بر شکم ببالد و بخورد آرزای از رحمت نافع باشد ان شاء الله تعالی
و بحین مرودیت از ای عبد الله که بخواند در روز الهام داشت تا و شکت بکینیت
و اذ قالت انما احب ان ما احب و تزلزل من القرآن ما احب ما شفاء و رحم الله
که نافع است و بحین مرودیت از ای نام عظیم سلام که افون نه گوارا بر آب خواست
بعد عن و بخورد صاحب زنت آمد و بعد از آن دست بر شکم و بالدر نوبت و بگوید
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ثُمَّ السَّيْلُ لِيَسِيرَانَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

رفع تفسیر

كَانَتْ زَهْرًا قَدْ تَمَّتْ مَا فَاخَذَهُ الْخَاصُّ إِلَى جَنَّةِ النَّعْلَةِ وَانْهَضَ خَرَجَكُمْ
 مِنْ بَطْنِ انْتِهَارِكُمْ لَا تَمْلُوكُونَ يَسَاكَدُ لَكُمْ خَرَجَ انْتِهَارِكُمْ الَّذِي لَا تَمْلُوكُونَ
مَدِينَةُ مَدِينَةٍ رَوَيْتُ از امام رضا عليه السلام كَتَفَتِي بِالْمَحْفَرَةِ زِدُوا سِيرَتَكُمْ
 فَرَمَدَكُمْ بِسَنَ رَا بَعْلُ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 بَكْتِ مَرَادُ خَرَجَتِ وَكَامِي دَر بَانَدِي وَبَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 فَرَمَدَكُمْ بِسَنَ رَا بَعْلُ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 اَنْخَرَتِ زِدُوا كَمَا بَدَأَ بِهَا وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 وَتَلَّ عَوْدُ رِيَالِ سَنَ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 وَتَلَّ عَوْدُ رِيَالِ سَنَ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 مَا أَجَدَّ مَشْدُورَ شَانَدِ يَارَ بَوِي نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 نَافِعُ بَانَدِ ارْتِهَادِ **مَدِينَةُ مَدِينَةٍ** وَتَلَّ عَوْدُ رِيَالِ سَنَ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 وَتَلَّ عَوْدُ رِيَالِ سَنَ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 تَارَ الْخَرَجَ انْتِهَارِكُمْ لَا تَمْلُوكُونَ يَسَاكَدُ لَكُمْ خَرَجَ انْتِهَارِكُمْ الَّذِي لَا تَمْلُوكُونَ
 قَدِيمُ كَسِي رَا كَمَا بَدَأَ بِهَا وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا يَسْتَفْهِمُونَ إِلَّا أَهْلَ الْبُيُوتِ

وَجَعَلَ الْفَهْرَ نُورًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُجْبَرُ مِنْهُ الْجُودُ وَلَا تُكْنَى مِنْهُ الشُّوْرُ وَلَا يُكْنَى
 عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ كَذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَدَكُمْ بِسَنَ رَا بَعْلُ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِحَبَابِ رَبِّ الْبَشَرِ
 وَاللَّهُ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ رَّبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسَ حَوْنِ بَشَنَدِ بَعْدَ زَيْدِ أَرِي كَبِيدِ
 بِسَ زَانَكُ بِرَحْمَةِ رَبِّكَ حَبِيبِي الرَّبِّ مِنْ عِبَادِي حَبِيبِي الَّذِي هُوَ حَبِيبِي
 مَسْدُ قَطْحَبِي اللَّهُ وَتَعَمُّ الْوَكِيلُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَا بِي بَعْدِ
 مَا أَمَاتَنِي وَالْيَوْمَ الشُّوْرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْيَا بِهِ
 أَعْبَدُ مَرَكَا كَمَا تَطَرَّكُنِي عِبَابُ آسَمَانَ بِسَ دَعَا بَحْوَانَ كَمَا يَأْتِي نُورُ النُّورِ
 بِأَمْدُ بِرِ الْأُمُورِ يَا مَنْ لِي التَّظْفِيرُ وَيَهْفِي الْقَادِرُ بِرِ الْأُمُورِ
 فِي يَوْمِي إِلَى السَّلَاحَةِ وَالْعَافِيَةِ بَعْدَ زَانِ بِسَ خَرَابِ أَرْسُونِ لَا
 عَمْرَانَ بَحْوَانَ تَكُنْ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا لَا خَلِيفَ

وَتَلَّ عَوْدُ رِيَالِ سَنَ نَوَيسٍ وَبَابُ بَوِي وَبُحْرُ مَقُولَتِ كَتَفَتِي زِدُوا مَحْفَرَتَكُمْ

التَّحَادُّ مَرَدِيَّتُكَ حَضَرَتْ صَادِقُ عَلِيٍّ السَّالِمُ فَرَمُودَ كَهْرُكَ الْبَشَرِ
 بِالْمُخْرُوسِ رَاكِبِيهِ سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مَبْقِيَّتُ
 بَرِيَّتِكَ وَغَفِيَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمَلْتُ مَسْ وَطَلْتُ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ
 لَا يُغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَرَمُودَ كَهْرُكَ خَصَلَتْ أَزْوَاسُ سَابِزِيهِ
 حَافِلَتْ بِرَأْفَاتِ نَازِ وَغَيْرِ تَمَامٍ كَمْ نَحْيَ كَذَّارُ خَرُوسٍ وَكَيْلُ مَرَاغٍ
 أَوْ نَزْدِيكِي كَنْدِ وَنَحَاوِيَّتِ كَدَانِ رَاكِبِ رَاغٍ دِيكَرُ صَرْفِ يَكُنْدِ وَجَنْدِ
 وَشَجَاعَتِ وَكَثَرَتِ مَرَدِي وَرَجُولِيَّتِ وَرَكُورُ فَرَمُودِ كَهْرُكَ خَصَلَتْ
 بِأَمُورِيهِ پُوشِيدِ نَزْدِيكِي كَرْدَنِ دِمَاحِ زُورِ دِطْلَبِ دُورِي دَن
 وَازِيدِ حَضَرِ كَرْدَنِ وَامَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيٍّ السَّالِمِ چُونِ
 خُوفِ شَدِيدِي اَيْنِ دَعَارِ اِنْجَوَانْدِي كِه اِنَّ اَهْلَكَاتِ الْعِيُونِ الْعَلِيَّ
 عَادِيَتِ الْجُورِ سَمَائِكَ وَكَامِيَتِ عِيُونِ اَنَايِكَ وَهَذَا اَصْوَاتُ عِبَادِكَ
 وَالتَّعَامِلِكَ وَغَفِيَّتِكَ اَللُّوْلُكَ عَلِيَّهَا اَبُو اَبِي قَادِطَافِ عَلِيَّهَا جَرَا اِنْمَا
 وَاحْتَجُّوْا عَمَّنْ لَيْسَ اَتَهُمْ حَاجَتٌ اَوْ تَخْرُجُ مِنْهُمْ قَائِلَةً اَللّٰهُمَّ حَيَّ

کرده می من امر دوز سر دوزست که اینجا مقام دارم جو برین عصبه الهی است که کند
 دوزخی آنحضرت با یاران بجانته او فرمود و خانه پر مردم شد چو در سر در خانه
 نشست که مردم پر بودند آنحضرت او را دید عجبای خود را در دم عجب و نزد جو را انداخت
 و فرمود که در بالای آن نشین جو را از ابراهیم بر روی بالید و بسید و نزد آنحضرت
 منقول است از سلمان فارسی رضوان الله علیه که روزی نزد آنحضرت رفتم و او را پیشی بگریه
 بود چون مرادید بالمش از دمن انداخت و فرمود که یا سلمان هر مسلمانی که نزد او
 مسلمانی رود و او از ندی تعظیم و کتیم بالمش خود را بر روی اندازد خدا ای تو او را پادشاه
 در مزاج و بستم آنحضرت روایت که میفرموده که من مزاج یکیم اما غیر حق میگویم شعفر
 پر سید از این عباس که آیا آنحضرت مزاج میفرمود که بل امام حسن فرمود که من
 پر سیدم از خال خود من از صفت رسول الله صکت هر کجا که غلب کردی روی
 مبارک کرده آیدنی و چون شاد گشتی حاتم مبارک برسم نهادی بزرگترین خنده و می
 بود که همه خنده انداختی بخودی و نیز مردی که چون سخن گفتی در میان سخن شمس کرد
 مردی است از یونس شبانی که او گفت که امام جعفر الصادق ع از من پرسید که چگونه است
 مزاج و بازی شما با بعضی گفتم که واقع می شود فرمود که چنین گویند که بازی و مزاج را بسبب کوه
 اخلافت و بدبستی که برادر مسلمان از مزاج شاد و مستوان کرده او حضرت رسول علم

این حدیث از آن است که در بعضی نسخ آمده و از آن مراد این است که

و در وقت از آن بنام که چنان ابراهیم را آنحضرت و وفات یافت آنحضرت
که بر میگردد و میگردد که چنان ابراهیم را آنحضرت و وفات یافت آنحضرت
رسمی بود و در آن وقت که چنان ابراهیم را آنحضرت و وفات یافت آنحضرت
خالد بن ولید که چنان ابراهیم را آنحضرت و وفات یافت آنحضرت
از برای آنکه در پیش و خزان زید را چون ششم بر آنحضرت افتاد که آغاز کردند آنحضرت
نیز در که بر افتاد و بعضی اصحاب که در حدیث آنحضرت بودند که گفتند یا رسول الله این چه کردی
فرمود که این شوق و دست نبوی است در میان من و آنحضرت مرویت از حضرت
ایمیرالمومنین علی علیه السلام که راه رفتی آنحضرت چنان بود و خوش آمد که گویند ای ابراهیم
جبار که شده یا آنکه که بر روی سبزه رو آن کشته و من ندیده ام مثل این رفتار مولا که
چنان ایستاد و در وقت از جبار که چون آنحضرت بر راه رفتی اصحاب پیش رفتند و
یکدیگر فرستادند که آنحضرت ای ابن عباس همان را که میگویند که آنحضرت چنان در راه
رفت ظاهر شدی که او از راه رفتی عافیت و چون ششم با اصحابی طایفه از مدینه و سوار بود
حزین که کسی همراه شدی او را بر عیت خود سوار کردی و اگر تو قبول نمودی فرمودی که کسی
پیش برود و جایی که میخواهد را بپای و در مدینه روزی ششم آنحضرت را بجا میبرد
و طایفه میباشند که بود و بخت آنحضرت و پنج تن از اصحاب وی قبول فرمودند و

نماند او شد با ابراهیم در راه یکی دیگر مراد شد که با آن شش تن شدند چون در مدینه رسیدند
آنحضرت بر آن شش تن که با آن زانی قرار کرد که ترا نظارند تا از حقیقت آنجا باز
و جایی تر از آنجا بمانیم پس بعد از آن در ای و پان شش آنحضرت و در آن روز و در آنجا
با و آب شستن مرویت که با او از خندان جدا شدند بجز آنحضرت می کردند تا او را می کردند
میناد و آنحضرت او را که خود می داشت نه بجهت نظم دارد و پیش و کاه بودی که نظر بر آنحضرت
اراعه کردی بعضی آن بیدنی با یک بود و ندی و اضطراب کردی و آن حضرت میگفت که
بجای میگوید و بچنان که شش تنی تا کودک بول نام کردی و بعد از آن و عادت حق آنست بر روی دلام
و اظهار خوشی و بخت و سرور نمودی تا خاطر ایشان بول نکرد و چنان این فرستندی طایفه
شدی روزی ششم بجهت آنحضرت در آمد آنحضرت تمام در آنجا نشسته بود پس آنحضرت را که بر
او نشسته آنحضرت جایی بوی عود خود را زد و در آن شب آنحضرت بول الله جایی که است
تا آنکه او بنشستند آنحضرت فرمود که حق را در میان برادر سلطان است که چنان که
نمودی می نشیند خود را از دور تر ببرد بجهت میگویم او مرویت که حضرت بول منسب بود که
هر که دوست میدارد که مردم نزد او بر پای بپایستد پس جایی او در درخت و فرمود بپایستد
یکدیگر بچنان که بعضی از اعاظم و بعضی می نشیند و بکن باکی نیست که در میان یکدیگر در آیند
و امام جعفر صادق فرمود که چون آنحضرت صاحب مدینه شدی و بر پایی مجلس هر چنان که

جواب

فرمود و رسول است

و از نام مردیت که نشستن آنحضرت در پیش روی مجسمه بودی فرمودی که از شما که مجلس در آن
 ایستاده است هیچکس که از جای نماند و هیچ دو یکدیگر فرمود که هر که از شما از مجلس چون مردی که
 بیایند که اول در آمدن سلام بگوید که آمدن در مشیت خداست و در سلام بگوید که هر که
 از شما از مجلس چون مردی که اول است که چنان باز آید باز بجای خود بنشیند و مردیت از آنحضرت گرفته
 حق بیست و یکشنبه یا زحل حق بیست و یکشنبه است که هر که چشم خود را پوشانید و هر که سلام کند جواب بگوید
 و یا چنان را از نام نماند و هر که بیست و یکشنبه از شما در دست از آنحضرت سلام بگوید و هر که
 اگر شایسته یارک را بر داشتی و دست را پیش آن بگوشی و دست بر ساعده بگوشی و هر که
 نشسته و کلمه ی کبایه پیش نماند و از یکدیگر نیز نشستی و هر که از مجلس **سلام** در خفا بگوید
 از اصناف و انواع خندان مردیت که رسول خدا از اصناف و انواع طعام شامل فرمودی و آنچه حضرت
 حق سبحانه و قدر برده حال کرده بود با اهل بیت و خدمتکاران خود یکی خورد و دیگر که از سلمان را
 و حجت کردی حاجت فرمود و در زیر بر این شامل فرمودی و آنچه خوردی چنان بسیار
 با معان خوردی و طعام را در دست و شکر که دست بسیار در آن داندی از معان روز از آنجا
 نزدی بود که فرمود که بار خدا یا میخواست از فضل و رحمت تو که غیر از آنکه این همه در دست
 و در آنشای این و آن خورده اند و کوفتی بر آن کرده آورد و فرمود که هر که بدین را از فضل
 و استغفار است ازیم و چنان خوردند آنحضرت آوردندی فرمودی که بنشینم **الحمد لله**

بجای

بصلوات الله علیه و بسیار بودی که چنان نشستی برای طعام خوردن چه فرمودی هر دو بار مبارک
 باز از آنجا چنانکه برای نماز نشسته الا آنکه نای بر بالای پای و از آن بر بالای پا و هر که
 و فرمودی که بنشیند چنان طعام بخورم که بسند کاف علفان خورند و چنان می نشینم که بنشیند
 مردیت از امام جنود صادق علیه السلام که حضرت رسول چه که هر که کتب زده طعام خوردی و از آن زمان
 که خدای تعالی او را به پیغمبری فرستاد آن وقت که روی بایم بپا نهاد و بجهت وضع روی
 بدرگاه خدای عزوجل و چنان دست مبارک بوی طعام بوی بنویسد که **بسم الله الرحمن الرحیم**
ارزقنا و عیالت و خلقتنا و اهل بیتنا و عیالتهم فرمود که آنحضرت در وقت نماز
 میفرمود که **اللهم انما نسئلك مما فی رزقك افطرنا بقوله متنا ذهب الخمار ائبلت الصید**
 و یعنی الاخرین و نیز فرمود که چون آنحضرت نزد تو افطار کردی کبر بر پیش خود کردی که افطار کردی
 نزد شما روز و در آن و خوردند طعام شما بگو کاران و فرمودی که مسجبات عای بودند از آنجا
 و بردایت آمد که آنحضرت بخانه افطار فرمود و اگر شکر فرمودی و افطار فرمودی و از آنحضرت
 امام جعفر الصادق علیه السلام که آنحضرت پیش از افطار میخورد و فرمودی که آنجا بگره بده را
 پاک میبازد و بوی دانه را خوش میکند و دانه انانادی و حکم میکند دانه و در حدقه خوردن بسیار
 افزاید و دانه را میجوید و تسکین میدهد هر گاه میخورد که مضطرب را و صغیر از آنست نه و بگو
 و عوار تر از آنکه در سر بود و در دهن را بکتر میبود و آنحضرت حکم طعام که بخوردی

و اگر از این بابیست
 و اگر از این بابیست

آوردند و فرمودی که حضرت حق سبحانه و تعالی بخود ما عیب بد و بدستی که طعام کرم
 بی برکت است و سر کینه آزادگان بخورید و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چون طعام خود را می خورد
 بر روی در پیش خود خورد و از پیش غیر خود را و هیچ طعام آوردنی پیش از خود نمی خورد
 و در طعام حرمان از آن ایستاد و شروع کرده اندی و در آنوقت شادان و زود با بخت بزرگ
 و پهلوی که سبب کینه و پیمان و کار هر چهار انگشت نیز خودی و کار هر تمام کف شادان و کار
 و در آنوقت شادان و زود می کرد که در آنوقت خود را عبادت شیطان بود و می گفت که این
 رتبه آنحضرت بودند چون از آن شادان و زود که از چه چیز خفت اند این را با ابا عبد الله
 پدر و مادر من فدای تو را و روغن و عمل در یکدیگر کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن
 نشسته و در آنجا نشیم و بر سر زدیم تا جفت شد بعد از آن چینی که در منید و خود که این طعام
 و کار بودی که از آنجا خفت نان کرده اندی آنحضرت شادان و زود و کار هر پهلوی خود را
 در روغن و روغن و عمل در یکدیگر کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن
 میکند از پدر بزرگوار که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگز از آن کرم سیر خود را با این
 راست یانه آنحضرت فرود نه هرگز از آن کرم خود را و از آن جوهر که سیر خود را
 و عایشه گوید که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هرگز از آن جوهر که سیر خود را از دنیا
 و انس و ائمه که در آنحضرت از آن طعام خود را از دنیا سوار و مت بودند تا یکسره کرد

مکمل

و الفکم الله واحد لا اله الا هو لا تحموا الحییم الله لا اله الا هو لا تحموا الحییم الله
 لا تأخذ سنة ولا تقیم له ما فی السموات وما فی الارض من ذی الذی یفزع
 عنده الا یدیه یعلم ما ینزلهم وما خلفهم ولا یحیطون بشی من عیون
 بما شاء وسیع کرمه السموات والارض ولا یؤد جملها وهو العزیز
 العظیم هو الذی یصیورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو
 العزیز الحکیم ان الذی عنده الله الاسلام وما اختلف الذی اوتی ایه
 الکتاب الا من ینما جاءهم العلم بنبیائهم ومن یفربیات سفان الله
 ربیع الحجاب واذ اجتمعت حجة تحبوا احسنها اوق وکذاها ان الله
 علی کل شیء حسیب الله لا اله الا هو یحیی وکم فی یوم النشأة
 لا یت فیة ومن صدق من الله حیث قال کما الله ربکم لا اله الا هو
 خالیک کل فی قاعه و هو مملو کل فی وکیل و اتبع ما اوحی
 من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین یا ایها الناس اتقوا الله
 الذی جمیعاً الذی لا ملک السموات والارض لا اله الا هو یحیی
 و یمیت و انشأ الله و رسول الله الذی یومر باهل کلمته
 و اتبعوا لعلکم تمقنون و ما امر الا لیعبدوا الله الها واحداً

و الفکم الله واحد لا اله الا هو لا تحموا الحییم الله لا اله الا هو لا تحموا الحییم الله

五

وَدَّ النَّوْءُ اِذَا وَهَبَ مَقَابِلًا لَمْ يَكُنْ اَنْ
لَنْ يَصْرَفَ عَلَيْهِ قَطَاعِي فِي الْعِلَابِ لَمْ يَكُنْ

۱۰۰

اِيَّاهُمْ كَانَ اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ يَكْفُرُونَ وَيَقُولُوا اِنَّمَا
 تَنَارُوا الْبَتَّاءَ يُجْعَلُونَ لِكُلِّ اُولٰٓئِكَ وَقْدًا مُّحْرَقًا وَيَوْمَ لَا تَبْقَىٰ
 تَابِلٌ لِّلنَّوْبِ تَتَدَيَّدُ اِلْعَابِ نَرَى الْقَوْلَ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ اِلَهَ الْمُصِيبِ
 ذٰلِكُمْ رُبُّكُمْ خَالِكُ كُلِّ شَيْءٍ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ مَا تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
 هُوَ اِلَّا اِلَهَ الْاَهْوَاءِ عَنْ تَحْلِيصِ لَمَّا دَرَسَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُّوقِنِينَ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ
 حَيٌّ يُّمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّنَا وَلَكِنْ نَبَايَ لَهُمْ اِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرُهُمْ
 فَاَعْلَمُ اِنَّهٗ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ لِدُنُوٰكُمُ وَالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَاللَّهُ يَلْمُ مُنْقَلِبَكُمْ وَشَوْكًا لَوْ اَنْزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ
 خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ يَتَنَزَّلُ فِيهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ
 اِنَّمَا عَلَىٰ رُسُلِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ اللَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ
 الْمُؤْمِنُونَ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا
 خَتَمَ فَعَبْرَتِ وَرَدَ مَقُوتِ اِذَا بَلَغَ اَبْرَاهِيْمَ الْاِسْمَ الْكَبِيْرَ اِنْ يَبْرَأَ زَيْدُ
 بَدَنَهُ كَرِهْنَاهُ اِنَّ اللَّهَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اِنَّمَا اَحْنُ
 وَمَعُوذَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ تَعَالَى اَعْلَى اَنْ رَّبُّ النَّاسِ اَوْ هَبِ النَّاسِ رُجُلًا

اذْهَبِ النَّاسِ وَاشْفَعِي لِيَّ فِي مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ
 لِيَّ وَرَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبِذِكْرِ اسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ كَذَلِكَ كُنَّا بِمَا يَصْنَعُونَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** وَلَمْ نَكُن لِّلَّ لَيْلٍ
 وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اسْكُنْ أَهْلُ الْكَافَّةِ اسْكُنْ لَكُمْ بَيْتُكُمُ الْيَقِينُ
 اللَّهُ اسْكُنْ لَكُمْ لَيْلٍ اللَّهُ اسْكُنْ لَكُمْ لَيْلٍ اللَّهُ اسْكُنْ لَكُمْ لَيْلٍ اللَّهُ اسْكُنْ لَكُمْ لَيْلٍ
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ حَبِيبُ اللَّهِ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَكَرَّمَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَلْكِ
 وَفَضْلُ غَيْرِهَا نَعْتُ كَيْفِي أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا رَأَيْتِي طَلَبْتُهَا فَحَضَرَتْ
 وَفُودَ كَرَمِي كَيْفِي جَاهِلَاتِ رَأَوْسُ خُودِ كَرَمِيانِ فَرُودِ رَوَانِيكَ نَزْدِ مَوَاتِ
 يَكُونُ مَنَاقِبُكَ نَزْدِ مَوَاتِ يَكُونُ لِحُجْرَانِ كُنْتُ جَنِي كَرَمِ أَزَانِ وَصِ مَنَاقِبُ
 وَنَزْدِ مَوَاتِ رَوَانِيكَ كَرَمِي عَبْدُ اللَّهِ فُودِ مَنَاقِبُ كَرَمِي خُودِ
 فُودِ رَوَانِيكَ نَزْدِ مَوَاتِ يَكُونُ وَفَاحْتِ الْمَنَاقِبُ بَحْرَانِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
 وَقُلْ عَزَّ وَجَلَّ الرَّحْمَنُ وَقُلْ عَزَّ وَجَلَّ الرَّحْمَنُ وَقُلْ عَزَّ وَجَلَّ الرَّحْمَنُ

که خواستی پروان آمدی و جامه در پوشیدی و عطر و از انرا گرفت و از دستش بر روی تو
 و در اعضا میدی و مردیت از امام رضا علیه السلام نبودندی بسیار بخور کردی و
 بعد از آن کلاب بر جسد افتادی و مشک بکار بردی و تمام اینها چنان از سوخت
 سیدنا حج الدین ایام برکات و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد حضرت رسول الله
 زود که بر شما بار این عود میدی بدستی که در دو معاد مشغول و خوشبوی چنین بویا
 بوی مشک و عود و زود که رسول صمیم بوی خوشی سار پیش از طعم کوی رسول صمیم
 و عود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را که بر تو باد ای علی بوی خوشی در روز محشر
 که از سه شایات و میو پسندد آب از امام که آن بوی خاص از تو میرود و دیگر زود
 که زود از آنست که مرد بکار برد بوی خوشی هر روز بکار و اگر مادر یا شریخ هر روز بکار
 و اگر زنانه پس در هر روز بکار و دیگر حضرت رسول صمیم زود که در آن زن و جانی نش
 بکار دارد و از خانه بیرون آید بلبنت باغ تا باز بخانه رود و مردیت از امام که با
 شخص بجام رفت پس چنان بجام کنی پروان آمد مجرب طلب زود و بخور کرد و زود که اگر سیر
 نصب بکریه و مردیت از امام جعفر صادق علیه السلام که گشت سزاوارست که مرد بخور کند
 جامهای خود را و اگر آن قادر باشد مردیت که بوی زهر امام حسن با بوی طلب که بجام خود
 عود کات از حضرت ۲۱ یا زود از آنجمله که روزی داشت بر سر زهر کات

التي نقت أهلك في كتابك كأنهم بينان مرسوم من مصيب العوالم
والله را الله في الله وفي سبيل الله وعلى ملك رسول الله صلى
الله عليه وآله وسلم لك أنت ألتك تسوي إليك نوصت
أمرني وأللك رجعت ورجعت وعليك نوصت يا رب العالمين
اللهم أحفظني بحفظ الأيمان من برئتي ومن خلفي ومن يميني
ومن شمالي ومن فريقي ومن نجلي لا اله الا انت لا اله الا انت لا اله الا انت
الله العفو والعاف من كل سوء في الدنيا والآخرة اني أعوذ بك
من عذاب ربي القبر ومن ضعف القبر وأعوذ بك من سطوة
الملك والتمتار اللهم رب الشهادة الحرام ورب البيت الحرام ورب
البلد الحرام ورب الجبل والحرام ورب الركن والمقام وأبلغ محمد
والعنى السلام اللهم اني أعوذ بذكر عك الحفنة وأعوذ بجميع
أن تبيخ عفا وأخرى أو رفا أو هضما أو رديا في البئر أو كيل سبع
أو موه النجاة أو بشي من موه النور لكن على خاشي في طاعتك و
طاعة رسولك صلواتك عليك مصيبا الحق غير محظي أو في الصفة

التي نقت أهلك في كتابك كأنهم بينان مرسوم من مصيب العوالم
والله را الله في الله وفي سبيل الله وعلى ملك رسول الله صلى
الله عليه وآله وسلم لك أنت ألتك تسوي إليك نوصت
أمرني وأللك رجعت ورجعت وعليك نوصت يا رب العالمين
اللهم أحفظني بحفظ الأيمان من برئتي ومن خلفي ومن يميني
ومن شمالي ومن فريقي ومن نجلي لا اله الا انت لا اله الا انت لا اله الا انت
الله العفو والعاف من كل سوء في الدنيا والآخرة اني أعوذ بك
من عذاب ربي القبر ومن ضعف القبر وأعوذ بك من سطوة
الملك والتمتار اللهم رب الشهادة الحرام ورب البيت الحرام ورب
البلد الحرام ورب الجبل والحرام ورب الركن والمقام وأبلغ محمد
والعنى السلام اللهم اني أعوذ بذكر عك الحفنة وأعوذ بجميع
أن تبيخ عفا وأخرى أو رفا أو هضما أو رديا في البئر أو كيل سبع
أو موه النجاة أو بشي من موه النور لكن على خاشي في طاعتك و
طاعة رسولك صلواتك عليك مصيبا الحق غير محظي أو في الصفة

در او چه خفته در خواب در این آرد که منی که هرگز نرسد فاطمه زهرا علیها السلام در این خفته
بگوید منی از آنکه بر خیزد حق سبحانه و تعالی او را پادشاه و دولت که حضرت امیر المومنین
فرمود در دنیا ابوبی بعد که من ایامی که از عمر خود و از فاطمه علیها السلام که من فرمود که فاطمه
علیها السلام تمام کارهای خانه بخت خود بگذرد اما آنکه آب کشید و گندم آسیا بکند و خانه بخت
و خدام هر وقت در این سیاه بخت بکشد آنحضرت فرمود که بوی که من اگر این حال را بچیز
رساند چنانچه عورت داری و خدمتکاری از آنحضرت طلبی در گشت پس به بخت
بزرگوار و در خدمت آنحضرت جماعتی بودند باز گشت آنحضرت مسلم فرمود که بوی حاضر
آید بود روز دیگر فرستاد و در اطلب فرمود گشت و بعد از یک ساعت آمد و در دست
آنست که آنحضرت فرمود بختی دی و آن سوال کرد و او را شرم آمد که عرض نماید دیگر که آنحضرت
برین احوال و گویند آنحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود فرمود که ایامی که آنحضرت
شرم مرا آید من عرض کنم فیصل آن احوال را عرض فرمود که من شمار چندی قلم کنم
که بهتر از خدمتکار یا رخ در هر صبح سی چهار بگو ایامی که و سی و سه بار الحمد و سی
سبار سبحان الله پس حضرت فاطمه سهوی همان که گوشت را ضعیف شد از خدمتکار
او را بار این را فرمود در دایت که رسید تا صحابه بن ابوالبرکات که مرویت

الاول

که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بخواند که هر روز در این دنیا و فاضل پاک کرد و از کثرت آن
میگردد که طایفه فاضل که در خوش بنام و بر و طاهر از کس نبود باید که در عتبت سر نماز
از پنج نماز دو روز و بار قل مولود صد بخواند و بعد از آن دستها بر آورد و بگوید که اللهم
انني استلك باسمك انك ترون الخوف الطاهر الطهر الباطن و انك
يا نيك العظيم و سلطانك القديم ان تفضل علي محمد و آل محمد بالواجب
العلي يا مطلق الذي ياتي بك كمال القاب من النار استلك ان
تفضل علي محمد و آل محمد و ان تفضل من النار و تفضل من الدنيا ما لا
و تفضلني الجنة امتا و ان تجعل دعائي اوله فلاحا و وسطه نجاحا
و آخره صلاحا اليك انت المالك الغيوب و حضرت امیر المومنین فرمود که این
از بیانی آنحضرت که عرض فرمود رسول الله را که هر که در عتبت نام حسن و حسن حسین
کم و عباسی روایت کرد رسول الله ص و فرمود که هر که در عتبت سر نماز فرمود این دعا بخواند
بانه مال او و سر زندان او و از هر بدی او دعایت اللهم اغفر لي ما قدمت
وما احثت و ما اعلنت و ما امرت و انرا في علي نعمتي و ما انت اعظم
بمعي اللهم انت القدم و انت الاخر لا اله الا انت و انت ملك النيب
و بعدد ريك على الخلق اجمعين ما علمت الحق خير لي فاحسن و كوني ما ذا

عَلَيْكَ الْوَيْلُ خَيْرٌ إِلَى اللَّهِ إِنْ أَسْأَلَكَ خَشْيَتِكَ فِي الْمَرْءِ وَالْمَلَائِكَةِ
وَكَلِمَةِ الْخَلْقِ الْغَضَبُ وَالرِّفَا وَالْقَصْدُ وَالْفَقْرُ وَالْفَقْرُ وَالْغَنَى وَأَسْأَلَكَ
فَعَمَّا لَا تَقْدِرُ وَتَقَرُّ عَيْنَ لَا يَطْمَعُ وَالرِّفَا بِالْفَضَاءِ وَبِرَدِّ الْمَيْمَنِ
فَعَدَّ الْمَوْتَ وَلَذَّةَ النَّظَرِ وَخَيْكَ وَتَوَقَّأَ إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ الْقَرَارِ
مُفَضَّلًا وَكَانَتْ مُضَلَّةً اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِبَيْتِكَ الْإِيمَانَ وَجَعَلْنَا
مُذَابِثَ مُتَمَدِّينَ لِلَّهِمَّ أَهْلِيَانِ مِنْ هَيْبَتِكَ وَعَافِيَانِ عَلَيَّتِكَ وَ
وَلَدَيْنَا فِيمَنْ زَايَلْتِ وَمِنَاسِيرًا مَعْقُوبَتِ أَلَمْ تَقْضِ فَلَاحِ قُضِيَ عَلَيْكَ
اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلَكَ غَزِيرَةَ الرِّشَادِ وَالنَّبَاةَ فِي الْأَمْرِ وَالرَّشْدِ وَأَسْأَلَكَ
شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَخَيْرَ عَافِيَتِكَ وَأَدْرَأَ حَقَّكَ وَأَسْأَلَكَ يَا رَبِّ قَلْبًا وَ
سَلَامًا وَلِسَانًا صَادِقًا وَاسْتَعْفُوكَ لِمَا قَاتَلْتُمْ وَأَسْأَلَكَ خَيْرَ مَا قَاتَلْتُمْ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا قَاتَلْتُمْ فَامَّا كَ تَقَلُّمٌ وَلَا تَقَلُّمٌ وَأَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ
وَعَالِي دُكْرِكَ إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ رُفُودُهُ كَمَا يُعِيدُ رُزْمًا زُرْ كَمَا يُنْزِلُ نَجْمًا نَسْتَعِيزُ
كَأَمْرًا مَعْرُوفًا وَكَلَامًا نَبِيًّا كَمَا أَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي أَقْرَبَ
وَدَارِي وَكُلِّ نَاهِي سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ
لَهُ يَوْمٌ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَوَلَدِي وَكُلِّ نَاهِي

که پیش محتاجان پادشاه و نجیب دست رس باشد به پندایان صرف کنند و ایضا
بردهان برسانند باز نسود که مدت هر چیزی که گذشت بپندایم نسود
بجز امدوت آن نیست که خوان طاهر بنید بد خانه خود مدت دو است یک
در حضور یکی در سوفا آنچه در حضرت آن ملاوت قرأت و لزوم مساجد
و رعایت برادران در حوایج و احسان کردن با ملازم دغام و دوستان
شاگرد و دریندن و دشمنان را دامن سپین و ملا آنچه در سوفا است گوشه پاک
بسیار برایش و بار فیضان صرف کردن و امرایش از بر قوم پویش بپایان
معارفت ایشان و بسیاری مزاج در غیر هر چنی که مرضی حق باشد بعد از آن
فرمود با نخواستی که جد بزرگوارم بحق بجنی فرستاده که بنده روزی مرید
بر قدر مدت و دعوت فرمود آید و بدستی که صبر نازل می شود و بر قدر ملاوت
فصل در طهارت و شستن و وضو و احوال استنجاء کردن و طلب حاجات از حق جل و علا
روایت از حضرت صادق علیه السلام که هر که آیه انکر بختی بخواند در سوفا هر شستن بپایان
و هر چه با دست و بگوید بعد از آیت انکر بختی اللهم لعل میبوی غیر
و حق گفت که این کلام را روایت که شستن از برای امام رضا علیه السلام

چند پنجه رخت فرستاد و بیان آن قدری کل و دو تنگی پرسیدم که این چست
 فرمود که این کل غیر سطر امام حسن است ۳ صاحب رخت هر چند که هر جای سست این
 کل در آن میان میزد و میزد که آن امان حضرت مناست و در وعیت از امام صادق
 که دو برادر بخدمت حضرت رساله پناه جستم آمدند و گفتند بخواسیم که بجات بعیم
 بیجایی بنیم فرما که در راه چه دعا بخوانیم آنحضرت فرمود که هر گاه که در منزل خواب
 که خواب کنید و نماز حش کنز ارد با شید در وقتی که بپوشید خواب میند
 تسبیح فاطمه زهرا بگوئید و بعد از آن آیه الکرسی بخوانید که در امان حق بماند
 باشد پس این تسبیح را فاطمه جماعت دزدان و عتبات آن دزدان
 شدند تا وقتی که زود آمدند این تسبیح را فرستادند که خبر کرد که این تسبیح
 یا پدر آنحضرت آید دید که یکی از این تسبیح زهر اکثر آیه الکرسی خواندی و خواب
 کرد جاسوس دزدان صدای یه بر کرد این تسبیح در آن حصار میشت
 باندون ثوانت رفت به پیش از آن خود آن حکایت بازگشت مصاحبان
 دشنام دادند و گفتند دروغ میگوئید بلکه است شده و فرستاده تمام رسیده
 و آمدند دیدند هم آنچنین دیده بود چاره ثوانت شد کرد پس صبح شده پیش آن

دو جوان آمدند و گفتند که دوشینه کی بودید گفتند هم اینجا جایی دیگر رفتیم گفتند آیم
 و شما را ندیدیم و چهار دیوار مضبوط دیدیم درین جاست تو که گفتی ما بخدمت
 حضرت رساله پناه جستم رفتم مار افتیم فرمود تسبیح زهر او آید تا آنکه رسیدن بخوان کردیم
 دزدان گفتند بروید بخدمت که بپوشید تا بکار می ندارد **تسبیح** عبد الرحمن بن سنان
 که بیرون رفتم گیل بجات که صد و بیار فاشش همراه داشت و کسی نخرید بعضی بمان
 کشته که بصر فرست یا برین و دیگر باره بکوفه منزلت القصد هر کس خبری گفتند
 انگاه بخدمت امام ابی عبد الله رفتم و این احوال را عرض کردم فرمود تسبیح
 بپند از میان مروین و تو کل رخصای خود حل کن فرمود بپام این تسبیح هر که نام
 یا بخواند کفر نمائد ای تو کردم بکوفه فرمود تسبیح زهر او آید تا آنکه رسیدن بخوان کردیم
 الله الرحمن الرحيم اللهم أنت الله لا إله إلا أنت عالم الغيب والشهادة
 أنت العالم وأنا المنكسر فانظر لي في هذا الأمر خير لي حقاً وكل عليك قبيحاً
 واعلم يا عبد الله ان نام صرنا نوبس و دیگر استاد الله و باز رفتم و دیگر نوبس مثل رفتم
 اولی بعد از آن نام من را در آن نوبس بعد از آن رفتم و دیگر نوبس مثل آنچه در آن در رفتم
 نوشته بودی پس از آن بن شاع را بنویس و نام نهی که میفرستی بعد از آن

حج کن و بجهت پادشاه در صحاب فوت که در زیر عای نهان کند بعد از آن برادر و کافه
 که اول پادشاه این عمل کن بخدای عزوجل و دیگر فرمود که هرگاه که خواهی بمهر
 روی و کتاب برآید و باشد و سرفتی او رفته پس در گشت ناز بگذارد و در هر
 الحمد و قتل اینها الکافون بخوان و چون سلام بدیگر که اللهم انی عذوت
 الشیطان من مقلک كما امرتني فارجو من مقلک رزقا حاشا واسعا
 خلا لا یلبی و اعطینی فیما رزقتنی الغایة عذوت بحول الله وقوته
 بغير حول منی ولا قوة و کفر بحولک وقوتک و ابراد الیک من الملک
 و النعم اللهم انی اسئلك بركة هذا النعم و بارک لی فی جمیع
 اموری یا ارحم الراحمین و صل الله علی محمد و آله اجمعین و حين یأمر
 و رتد یکر اسهد ان لا اله الا الله و حده لا شریک له لا اله الا الله
 و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
 علی و لا شریک لک و اسهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلك
 اسئلك خیرها و خیرها و اعودک من شرها و اقل شرها اللهم انی
 اعودک ان ابغی او یبغی علی او انظم او انظم او اعظم او اعظم

انشأ

و

در اورا گویند که بشت تو دیگر فرماید مرا و راجه باشد گویند ای برادر کار
 ۲ دیگر هم با آن غیر که می سجانه و نذر فرماید که برای شکر گوید هم نمی کند
 مرا شکر کرده رو دارم بوی فضل و رحمت خود و او در مقام قرب است هم در مقام
 زین العابدین و در محبة شکر این دعا می فرمود است اللهم انک
 قد عصیتک فانی قد اطعک فی اخیایة الیک و هو الا یا
 یکن مثارک علی لا مثا منی علیک و ترکک معصیتک فی التفتن
 الاشیاء الیک و هو اذ عولک و اذ عولک غیر کاشا
 سنک علی لا مثا منی علیک و عصیتک فی اشیاء لا علی و خیر کاشا
 و لا علی معائن و لا استکبار عن عبادک و لا تجود لوبوبیتک
 و کین استبعت هوائی و استراحتی الشیطان بعد الحجة و البرهان
 فان تعذبتی فیدکونی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحم بحولک
 یا ارحم الراحمین و در روایت عبد الحمید آمده که حضرت صادق علیه السلام
 فرمود و روی را که هرگاه غم تو رسد پس مسح کن دست خود را بر موضع غم
 پس یکس دست خود را بر روی خود از جانب چپ روی خود از طرف راست

کنایت از او بگوید که این دعا را بخواند که این دعا را بخواند که این دعا را بخواند

۱۶۹۱۶۹۱۶

يا الله يا الله اسألك بحق من خلقك عليك عظيم ان تمكني
 على عهد وال عهد وان تمناني بما غرتني من خلقك وان تبتط
 علي من جلال نورك دعائي باسم الله الرحمن الرحيم
 حبي الله لا تنبي حبي الله لا تنبي حبي الله لا تنبي
 وحبي الله لما اهتمني وحبي الله لمن ابني وحبي الله عند الموت
 وحبي الله عند مسألة القبر وحبي الله عند الميزان وحبي الله
 عند القبر وحبي الله لا اله الا هو توكلت وفوضت
 العرش العظيم دعائي كرموت كرموت سبحانه وقله فرمود كرموت
 سر که از دست تو که من نماز او را و چندان بالا برم پس باید که بگوید در
 هر نمازی که بروی کرده ام در وقتی که دستها بردارم یا مبدی الامر
 یا مبین الکتاب یا شارع الاحکام یا رازی الانعام یا خالق الکائنات یا
 فارض الطاعة یا ملزم الذین یا موجب النعم انک اسألك
 بحق زکیتة کل صلوٰة زکیتة که فرج حق من زکیتة ان
 املائی هذه زکیتة مسئلة یقبلها و یقریر فیها زکیتة

صباح از خانه بیرون رود و بگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله تو
 علی الله در آن هنگام دو فرشته ندا کند که ای پسر مهات تو هیچ ساخته شد
 و این ندی از هدی و راه راست یافتی درین حالت شیطان که بیکه میزد
 تو نام کرد که کفایت شده مهات و این هدی این کشته و راه راست باشد روا
 از ابی عبد الله که هر که بار بگوید یا الله حق بخانه و حق جواب دهد او را
 که لیتک لیتک هم و حاجت تو چیست و دیگر فرمود که هر که بگوید یا الله
 لا اوتی الا بالله منت بار حق بخانه و حق بگرداند از و خدا نوع از انواع
 بلکه آسان ترین کشته نشود بخون و دیگر فرمود که هر که سی بار بگوید هر روز که
 لا اله الا الله الملك الحق المبین حق روی او آورد و فقرانه بگوید و در
 برو کشاده شود و حضرت رسول ص و نموده که خانه که در روزی خدای تعالی
 میکند مثل شخصیت که زنده باشد و خانه که در روزی بگوید یا الله که مرده
 باشد و با محقرت زنده که هیچ جماعت بگوید یا الله که فرشتگان
 کرد ایشان را و نمیکند و خدای تعالی ایشان را پرده رحمت برپا سازد و بگوید و از ام
 در میان ایشان میفرستد و در هر ملائکه ایشان را یاد میکند شخصی انفسه
 سوال کرد که از ستمها چه میفعل شویم فرمود که می باید بد که خدای تعالی

یا الله یا الله
 یا الله یا الله
 یا الله یا الله

بانی روایت در باب صلوات بر محمد و آل او است و آن است
 علیها السلام فرمود که هرگاه که حضرت رسالت یا صلوات را نام بشنوید و
 بسیار فرستید که هر یک چهار صلوات بر آن حضرت فرستد حق سبحانه و تعالی بر او رحمت کند
 و در اصف فرستادن چهل و طلب کردن از حضرت عزت و جلال و کبریا
 بر او صلوات فرستد پس بفرمود که در صلوات بر آن حضرت و آل او صلوات
 حاصل شود و حق سبحانه و تعالی و رسول او از دین او جویید و امام جعفر الصادق
 فرمود که هر که در روز قیامت در پیش من خواند بود
 هر کتاها را و برینگو چهار لوقه ای کند صلوات که بر او فرستاده باشد و بر آن
 نیکو باری نیم تا آنرا که آن نیکو باری برید بعد از آن است خود حاد است و گوید که این
 المومنین علی علیه السلام فرمود که هر دعا یا صلوات بر محمد و آل او یا بر من فرستد
 و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که حضرت رسول صاتم صلوات فرستد خدای تعالی
 رحمت بخت و بولید و آن حضرت فرمود که نزد من مردم در روز قیامت با
 کس که برین صلوات بسیار فرستاده باشد و دیگر فرستد چهل کسیت که نام
 بشنود و صلوات برین و آل من فرستد و دیگر فرمود که هر که از است من است
 برین صلوات فرستد حق سبحانه و تعالی بر او صلوات فرستد و در دین او ابرار

در روز قیامت

و

که در

کرد اندوده حشده و نامه اعمال او بولید و ده سینه از آن بخوند و امام جعفر صادق
 فرمود که حضرت رسول صاتم فرمود که هر که صلوات فرستد برین و آل او بخوند و بلند
 کرد ایند که آن تقاضا را میرد و امام جعفر صادق فرمود که هر که در روز قیامت
 و دوای این کتاها را استغفارت و امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر کس است از
 که بدی کند و یا او بجات باشد کشد که آن کدام است فرمود که استغفار بعد از کتا
 و حضرت رسول صاتم فرمود که حق سبحانه و تعالی بر او صلوات میداد و آن
 خرد و در سرگاه و آواز قرآن و آواز استغفار کند که در وقت در سجده و بولید
 فرمود که هر که در محل خواب صد بار استغفار الله بخواند که بر او از دخت میرد که کتاها را
 از او میرد و پاک از کتاها خواب کند و هیچ پاک بر خیزد اسمعیل بن اسمعیل گوید که نوشتم
 امام محمد تقی علیه السلام که تعلیم کن بر چیزی که هرگاه آن قیام نمایم در دنیا و آخرت سالم باشم
 آن حضرت بخط مبارک خود نوشت که انا انزلناه بخوان و استغفر الله بگوید ابو عبد الله
 فرمود که رسول صاتم الله علیه و آله فرمود که خوشحال کن که در روز قیامت
 و نامه اعمال خود در این هر کتاها را استغفر الله نوشته اند و دیگر فرمود که هر که
 استغفار بسیار کند نامه اعمال او در روز قیامت درختان باشد و حضرت رسول صاتم
 از هیچ مجلسی بر نیفتد تا نیت رنج بر استغفار میبندد و دیگر فرمود که اگر بخواهد

لوا بشار

المعنی

المعنی در روز قیامت

موسی شریک گناه شود اگر چه آن گناه بزرگ باشد از صبح تا شبگاه بیک استغفار کرد
 بر و آنرا می نویسد و دیگر فرموده که بنده مومن هرگاه گناه را یاد کند بعد از استغفار
 و از آن استغفار نکند آمرزیده شود و دیگر فرموده که رسول الله صلی الله علیه و آله
 و سلم فرمود که استغفار روزگاری طیب سلام الله علیه بهترین عبادت است
 علم در کتاب التکبیر خود فرموده که ما علم الله سلام الله علیه استغفار
 لیتک و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده در جواب شخصی که در حق
 آن حضرت گفت استغفر الله که مادر علی تو کرب را در هیچ میدی که استغفار
 چه جزیت بدستی که استغفار در مقام عالی رسالت و آن
 که واقع میشود بر شش معنی اول آنکه پشیمانی بر گناهان گذشت دوم عرضم
 کردن که آن گناهان باز نگردی سوم او کردن حقوق مردم تا مال و عزای کسی
 ملاقی نبوی و بر تو و مال نماند چهارم ایحی کردن آن نعمت که از آن کس بخت
 آن کوششی که برین تو و این احترام بگذری و بفرمان او اجتنان کردی و است
 استخوانت و گوشت کمال رحمت بر او شد و پنجم چنانچه جسم را شست
 طاعت چنانکه چنانچه حاکم است و سیم پس بگویند این حال که استغفار
 امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

و سوره
 استغفار

هر روز صد بار استغفار میفرموده گفتند چه کنیست بودی گفت صد بار میفرموده که
 استغفر الله ربی و انقلب الیه و ارجعتم هم از و که هر که بعد از نماز صبح پیشین
 پیش از آنکه روی قبله نماید بگوید صد بار استغفر الله الذی لا اله الا
 انت تعالی و بعد از آن صد بار سبحان الله و تعالی
 گناهان او را پیاپی مرزد اگر چه برابر گفت دریا باشد و در جزیره و در دست
 هر که این کلمات هر روز بگوید خدای تعالی چهل گناه کبیره او را پیاپی مرزد و حضرت
 سید المومنین فرموده که دل تر شاکی و شیم استغفار از وقت التبت بگردد
 شما این دو صفت را در خود بایستید و عاقلیند و دیگر فرموده که اگر در میان عبادت
 بسیار یکی شخص را دیده که بر آن بسته خدای تعالی رحمت او بر همه رحمت میفرماید
 که اگر شما را که پیر بیایید خود را بصورت مردم گریان برارید پس اگر بمقدار سر
 کسل گشت در دیده ظاهر شود نیکوست محمد بن مسلم گوید شنیدم از محمد بن
 که میفرمود که هیچ چیز نیست که بوزن وکیل در دنیا بدسترس است که خدای تعالی
 چشمش را از او ببرد و در دنیا ببرد و چون آب از دهن بر روی او در نزد
 دیگر کرد پی ابروی نه پند نه در دنیا نه در آخرت که قطره از آن چشم دریا می

اگر استغفار

آتش را فرو می نشاند و اگر مردی بگوید در میان امی محمد سر دم می زند
روایت است که ابراهیم بن جریل علی بنیاد علیه السلام می فرماید بار خدا را که
که روی خود با جیشم نکند از ترس تو بخوابی و جواب باشد فرمود که منقوت
در خوان من و امام محمد باشد و فرموده که طلب کنید حاجت را در وقت حرکت
کردن پوست بدن و در وقت رد آن شدن آب از چشم و نزد یاریدان
باران و هرگاه که آفتاب رسد بمیان آسمان و سیل کرد یکایک بزم
چه آن ساعت که درهای آسمان گشود است و امید و است بعد از آن
و قبل شدن دعا از جانب حضرت من و دیگر فرمود که تضرع و نیاز و نماز را
نزد خدای عز و جل تمام است چه هرگاه بنده بخورد و خوراک را پس اگر بنده
آب چشمش فروم آید رحمت الهی بر او نازل و این آن ساعت است که آنست
مسئله است و طلب حاجت و بزرگ در آید چیزی را که از حق جل و طلب
میکنند چه آن چیز نزد خدای تعالی است بزرگتر است از آنچه شما قدرت
بر آن دارید و بجزیر می کند کوچک را از خواجای خود چه دوستترین
مومنان نبوی خدای تعالی سؤال گفته برین این است روایت است که امام محمد

عبادت امام
زین العابدین
علیه السلام

با حق سبش در بزرگو ارشاد امام زین العابدین علیه السلام آنکه آنحضرت را در عبادت
بر برتبه یافت که بچشم آن مرتبه رسید پس دید که رنگ مبارکش بنفشه
از چوایی و از گریه کنارهای چشمش مجروح گشته و پیشانی او از آتش عذبت
شتر میزد و بجهت بسیار ایستادن در نماز ساقها و قدمش درم کرده امام علیه
سالم میفرماید که چون پدر بزرگوار را این حال دیدم خود را از کمر پیوستم و نگاهداشت
مرا رحم آمد بر حال آنحضرت بسیار گریستم و او در من نگاه میکرد و معجز بود و حال
من معجز از خطی من منتقم شد و فرمود ای فرزند من بعضی از کتبها که در حال عبادت
امیر المومنین علیه السلام در آنجا است همه من باریک کتاب بجهت آنحضرت آوردم و در آنجا
اندکی نگاه کرد و دعایی خواند و بهاد و غشاک گشته و فرمود گاه گاه میتوانی بود که
مثل امیر المومنین علیه السلام عبادت کند و امام زین العابدین علیه السلام گاه
و صورتی است رنگش متغیر میشد و پرسیدند که سبب تغییر این صفت فرمود
هیچ میدانید که بخدمت که قیام خوانم نمود روایت است که امام موسی علیه السلام
از ترس خدای تعالی چندان میگریست که میگریست و میگریست **قصه**
در نمازنا جهت حصول مهلت گزارند امام حمزه الصادق علیه السلام فرمود که هر چند
کاری داشته باشید با مجلس محضرت میکنید تا با خدای تعالی مؤثر نمیشد حضرت

3429

و در پاره ای کاغذ بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم من الله الخیر الخیر
و نام خود را و در خود را در اینجا بنویسد در سه پاره از آن کاغذ و در سه دیگر
بنویسد و بجای اقل لا تقل بنویسد در تر جانانه بنید و در کت نماز بگذارد
و چون از نماز فارغ شود بگوید و بعد از آن سجده صد بار استغفر الله بر سر هر سجده
خیر عافیة بعد از آن راست بنشیند و بگوید اللهم هذا منی فی جمیع اموری
ایضا در میان دست و پاهای بعد از آن دست بر آن کاغذ بگذارد و بگوید و بعد از آن
از آن پروان آید بعد از آن یکدیگر و عین اگر کاغذ از بی هم اقل پروان آید
آن کار بکند و اگر کاغذ لا تقل باشد ترک کند اگر یکی اصل باشد و یکی شمس را
پروان آوردن میت حضرت امیر المومنین علیه السلام و در کت نماز بگذارد و در دست
از صد بار بکشد استغفر الله بعد از آن میفرمود که اللهم انی قد فعلت بامرک
فان کنت تعلم ان الله خیر فی دینی و دنیای و آخرت فیرب لی و ان کنت
تعلم ان الله شر فی دینی و دنیای و آخرت فاصرفه عنی کنت تقی ام احب الیک
تعلم و الا تعلم و انت علام الغیوب بعد از آن در پیشانی بر آن دو سجده می
کرد و می گفت که مدیونیت ابی عبد الله و کت فدای تو کردم بسیار میباشد
که در کت حاجتی میباشد و بر آن شکافی بخیزم و بنود که هر استغفار را بنویسم گویم چگونه

وَاسْتَغْفِرُكَ بِحَقِّ الْكَفَّارِ لِلْمُتَلَمِّينَ وَيَسْأَلُكَ عَنِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ الْمَلَكِ
 الْمَغْنَمِ وَيَسْأَلُكَ عَنِ الْمَلِكِ الْكَبِيرِ وَالْمَلِكِ الْكَلِيمِ وَيَسْأَلُكَ عَنِ الْمَلِكِ
 صَلَواتِكَ عَلَيْهِمَا مَنْ تَقِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ عَمَلٍ خَيْرٍ
 وَخَيْرَ عَمَلٍ خَيْرًا وَأَسْأَلُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **رفع** عزم و
 در رکعت نماز که ارد و مصحف را بالای بردارد و بگوید **اللهم اني اتوجه اليك**
بما فيه وفيه اسئلك الاكبر واسئلك الخسنى وقام يخاف ويرجى منك ان
 تجلى على محمد وآل محمد وتغنى حاجتى وام ان حاجت يرمى زمانه فلا ريب
 عليه السلام در رکعت نماز بگزارد و پس سجده کند و صد بار بگوید یا خالق و گوشت راست
 بر زمین نهاده و مثل کن بگوید و گوشت چپ را بپوشد پس سجده کند و صد بار بگوید یا امینا
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرَ اسئلك باسمك
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ ان تسئلى على محمد وآل محمد
 وان تقضى ما انا لتسئلى اقبل وناجى وولى حتى لا اخاف احدا ولا
 احدا من شئ ابدا انك على كل شئ قدير نماز استغاثه
 در شب و قهقهه خواب کنی نه بر بالین خود نهد پا که بران آب پاک
 و سر آن را مخزنه پاک پوشش جلد بیدارتوى بجهت نماز اگر شب از آن سه و چهار

و یا قی آن و خنوبه باز و توجه بچای شب کن و یا کن و قامت بگوید
 نماز که ارد و بخوان آنچه میسر شود از قرآن و خون فارغ شوی از قرائت بوی
 در رکوع میت و پنج بار که اغیایک المستغنیین و سر بردار از رکوع شش
 این بگوید و در سجده پهلوی بگوید و در جلوس میان سر و سجده و در سجده و در سجده
 بعد از سجده دویم نهمین و سیزدهم که صد نوبت شود و سلام بگوید و بر زبان
 بردارد و می نوبت بگوید **اللهم اني اتوجه اليك** **بما فيه** وفيه اسئلك الاكبر واسئلك الخسنى وقام يخاف ويرجى منك ان
 تجلى على محمد وآل محمد وتغنى حاجتى وام ان حاجت يرمى زمانه فلا ريب
 عليه السلام در رکعت نماز بگزارد و پس سجده کند و صد بار بگوید یا خالق و گوشت راست
 بر زمین نهاده و مثل کن بگوید و گوشت چپ را بپوشد پس سجده کند و صد بار بگوید یا امینا
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرَ اسئلك باسمك
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ ان تسئلى على محمد وآل محمد
 وان تقضى ما انا لتسئلى اقبل وناجى وولى حتى لا اخاف احدا ولا
 احدا من شئ ابدا انك على كل شئ قدير نماز استغاثه
 در شب و قهقهه خواب کنی نه بر بالین خود نهد پا که بران آب پاک
 و سر آن را مخزنه پاک پوشش جلد بیدارتوى بجهت نماز اگر شب از آن سه و چهار

و مقصود خود را تمام کرد و غلام از امام صادق علیه السلام که و منوی تمام نماز
 و هر وقت که خوابد پس در رکعت نماز بگذارد و در رکوع و سجود تمام کند و چون نماز
 شود در دو رکعت خواند از هر نماز چندین بگوید یا زبانه که قشش منقطع شود
 بعد از آن بگوید که یا سنان یا ملک یا عباد الاطی و مقصود تمام نماز و منوی تمام
 من قبل اینهم که انواتم اظلم و اقمی و التوبیک که اهل حق قضا
 ساعتان امکان فلان این ملک غلامان این از یکسینه یا جمل
 ینک و قد لا یجمل فی ملک نصیب یا افریق الا فریق ینفخ غلام
 باید که عمل کرد و در رکعت نماز بگذارد و در خود را بصورتی سازد و در
 دستها را بگستراند و بگوید اللهم رب محمد و اهلک عذوهم
 اللهم ان فلان این ملک قد ضللی و لا اجد من اصوله
 غیرک فاستون من ظلمه من الساعه الساعه حتى یزجلك علیک
 له علیک و یجملک علیهم الا فعلت ذلک لا عنو و الاحکام
 و الاخذ بایه هو البکر یا ایاک التقلید **هبت انتقام غلام**
 منقول از امام محمد علیه السلام که فرمود که از کسی بقی غلامی صد او را دعای

مکر

کمن زیرا که مرد مظلم چنان میشد و دعای کینه ظلم میکرد و لیکن چون ظلم کسی مغفول کن
 و در رکعت نماز بگذارد و در موضع که آتش را یعنی بعد از آن که بگوید اللهم ان فلان بن فلان
 خلقنی و لیس لی احد اصوله غیرک فاستون لی ظلمه من الساعه
 الساعه یا الایم الذی سلك به المضطر فکشف ما به من غیر و کشف له
 الاذین فاستک ان یفعل علی خود و ال محمد و ان تستولی فی ظلمه من
 الساعه الساعه پس چنان در نماز بگویی ام مقصود تو حاصل شود نماز بگوید
 منقول از یونس بن عمار که حکایت کردم پیش ابی عبد الله که مردی میبشت بین
 ایندو ایستاده فرمود که دعای بد میکنی او را کفتم بی فایده بود که چنین میبشت که در میکنی
 و لیکن کن نماز از خود بیرون کن و روزه بگیر و صدقه بده و چون آخر شب شود و منوی تمام
 باز در رکعت نماز بگذارد و در حال سجده بگوید که اللهم استعین بذکر و اقطع ان یزول
 و انقص کلمه و یجملک فی ذلک فی عامه هذا کنت چنین کردم در یکی شب که
 شد نماز خجسته شکر بخاست منقول از ابی عبد الله که چون دستوار شود بر تو کلامی بگفت
 نماز بگذارد و تزد و ال و بخوان در رکعت اول یا حیه و قل هو الله و اما فیما لک شکی
 میبمانا اینجا که و یفرک الله بفرغ غریزه او در رکعت دوم یا حیه و قل هو الله و اللم شیخ
 که این مجرب است نماز خجسته وصول میبمان منقول از حسین بن علی علیه السلام که چهار رکعت نماز

بود از آتش و در سجده حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود
 که بخند این نقای عمر و جلایه آن نماز جمع طلوع آفتاب شنیدن ثواب
 در طلب دعای آن روز نهمین جابر و ولایت کرده از امام محمد
 باقر علیه السلام که ایس لشکر خود را بر آتش میکند در شب آن وقت فرمود
 رفتن آفتاب ثواب فرمودن شفق و در روز شکر خود را بر آتش از هنگام
 طلوع آفتاب آوردن آفتاب فرمود که رسول الله علیه و آله و سلم
 فرموده بسیار بگویند که حق تعالی را درین روز وقت که آن روز وقت غفلت
 اند و امام صادق علیه السلام فرمود که خواب صبح شوی و روزی با
 میراند و زیارت را در وقت بسیار و تغییر خلق میکرد اند خواب شوی
 به رستی کسی سجانه و نقای روزی نفیم میفرماید در میان طلوع صبح تا آن
 آفتاب بیست و شصت که این خواب بطلد بر چهره و الم رضا علیه السلام در
 خواب آن صاحب الهی که فال معتمد آن امر ایس هر که درین وقت خواب کند از
 روایت خود خواب کرده گوید که من درین خواب که امام رضا علیه السلام در

این خواب را در هر روز بخوابد و در هر روز بخوابد و در هر روز بخوابد

این خواب را در هر روز بخوابد و در هر روز بخوابد و در هر روز بخوابد

مجید مشغول میشد **سوم روز کرد و غیر مسلم** و استفاد و کرده زاری بدگاه
 آفرید کار و او است از ابی عبد الله علیه السلام که روزی علم الثقات ترویج
 صحابن و فرمود که پناهی بخوابید که آن ملحق شوید گفتند یا رسول الله این بیا که از
 و شصت فرمود که نه و لیکن این پیامت از آتش و درخ و آن نیست که بگویند که
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر و یکی فرمود که بیدار
 بگویند این تسبیحات را در روز قیامت اینها خواهند آمد از چپ و راست
 و از پیش و پس شما و اینها بایست باقیات الصالحات روایت کرده ابو بصیر
 از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله روزی
 مرا صاحب خود را که هیچ نمی بینید که اگر جمع کنید آنچه تر شست از
 جامه ها و پیاها بعد از آن بعضی را بر آبی بعضی را بگویم هیچ تو ندیدی
 که تباستان رسید اصحاب فرمودند که نه یا رسول الله آن حضرت فرمود
 که یاد لالت که شمارا چیزی که اصل آن در زمین است و در آن در آسمان گفتند
 یا رسول الله فرمود که هر گاه یکی از شما بگوید هر گاه که از نماز فریضه فارغ شدی که سبحان
 الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر پس بتحقیق که اصل این در زمین است
 و در آسمان در آسمان و این است که دفع بیست و از آفرین و سوختن و از غرق

که اگر حق سبحان و تعالی استر از من باز کرد اندازد و شکر عظیم گویم
بعد از آن که استر را گرفت سلام گرفت الحمد لله رب العالمین
از روایت از ابی حمزه از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر روز و هر
آن جمیع چنان گفتن بی رسول الله و پیغمبر بگو الحمد لله رب العالمین
سده که کلمات علی جمیع نعمت کلمات حق میباشند که الحمد لله رب العالمین
و بیایم حق روایت از ابی عبد الله علیه السلام که هر چهار بار بگوید و
صبح و شب و هر آن که بگوید آن را که شکر آن را و اگر کسی در آن
الحمد لله بگوید تحقیق او را کرده شکر آن شب را روایت از زید شحام
از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که هر که الحمد لله بگوید مشغول بیک روز
کتابان آسمان را گفتم چون مشغول میشوند کتابان آسمان فرمود که میسازد که
انا کلم الغیب یعنی با خدا با مغیب عید ایمان پس سبحان و تعالی
فرمود که بنویسد حمد او را هر آن که گفت بنده من و بمنت ثوابان
در یک روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که کسی بگوید یا ایاک الحمد لله بحمدها کلها
ما علمنا منها و الغم محلی کل حال حمد یا ایاک نعمه و بکلیه فخریده

علی و علی جمیع خلقه حق سبحان و تعالی فرمود که رسیدن من برضای من چنان
بنده خود را برضای او در بهشت و روایت کردی از پیغمبر صلی الله علیه و آله
و گفت فدای تو کردم من مردی پریم تعلیم کن مراد عانی که جاسع باشد آنقدر
و فرمود که بگو حمد خدای تعالی را تا تحقیق که چون حمد و یا بر زبان راندی حق سبحان و تعالی
نیز حمد حق میفرماید یعنی گفتن ایشان را که سمع الله من هذا الحدیث روایت از ابی
الموئین علی علیه السلام که فرمود که رسول صلعم فرمود که در روزی از آن
سید و شصت و شتر رکت که حرکت و صد و هشتاد ساکن اگر کسی در آن
تحرک کرد آدمی باقی نماند و اگر تحرک ساکن شود امر او بهلاک است انجامد و فرمود
که حضرت پیغمبر که هر روز چهار بار او میشد سید و شصت یا بر سید شکرانه
میفرمود الحمد لله رب العالمین یا ایاک الحمد لله رب العالمین یا ایاک الحمد لله رب العالمین
از راه گوید در تحمید که گفتم مرا امام محمد باقر علیه السلام که کدام عمل از عملها
دو سترت بسوی حق سبحان و تعالی فرمود که تحمید حق روایت از ابی عبد الله
که فرمود بدین سستی که حق سبحان و تعالی تحمید میفرماید بفرموده در هر شب آن روزی
سدنوبت پس هر کسی که تحمید خدای عز و جل را بآن وجه که خود را بآن تحمید فرموده
آنکس میگردان شقاوت به سعادت و دیگر حضرت رسول صلعم علیه و آله و سلم

فرمود که هیچ کس دوستی منی خدا را و جلالت از کفش لا اله الا الله
و هیچ بنده که بگوید لا اله الا الله و او را بخود را برکت و قوت کند که آنکه که
فرود برز و کناهان او را در زیر قدمهای او میخاکد فرود میریزد بر کفهای درختها
و سکوئی روایت کند از ابی عبد الله علیه و او را زبانی که او را خود که حضرت
رسول صلعم که بهر بی غایت کفش لا اله الا الله است در کتاب عبودیت
الرضا آورده که حضرت رسول صلعم فرموده بدستی که حق جل و علا را ست
در زیر عرش از اقیانوس سرخ که سر او در زیر عرش است و پایش او در پشت باقی است
در هفتم زمین پس چون بنده گفت لا اله الا الله عرش بر او نشوید و ستون
محرک و احمی جیش در آید حق سبحانه فرماید که ساکنی شوی عرش من او گوید ای
پروردگار چگونه ساکن شوم حال آنکه نیام زیدی گویند آنرا حق سبحانه و تعالی
فرماید که گواه باشید که ای ساکنان ملک الاغنی که من آمدم گویند لا اله الا الله
جابر از ابی طفیل گوید و او از امیر المومنین علیه السلام که فرمود که هیچ بنده
و مسلمانی نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر که بالا رود و بدرد هفت سقف را
و نکند از هر چینی از نیات او مگر که حوکه آن نام مستفی شود بعل ان رحمتا
پس ایستد دیگر فرمود که کفی لا اله الا الله شش و پهای بنیت روایت

و کلام
در بیان
کمال
و کمال
و کمال

فرمود که هر دعایی که پیش از تحمید نباشد پس و بجز است یعنی مقبول نیست پس
بدستی که اول تحمید است و بعد از آن گفت اقل آنچه کافیت از تحمید کد است
در نو که بگو الا فیه است فلیس قبلک یعنی و انت الاخر فلیس بعدک
یعنی و انت الظاهر فلیس قوتک یعنی و انت الباطن فلیس قوتک
یعنی و انت العزیز الخکیم بولش بن یعقوب گوید در باب تسبیح که گفتند ما
ابو عبد الله را که هر که صد بار بگوید سبحان الله مانند کسی باشد که ذکر خدا بسیار
کرد. روایت از امام محمد باقر علیه السلام که هر که سبحان الله بگوید بی تحمید یا درین
حق سبحانه و تعالی از آن مرئی که مر او را باشد زبان و دویال اقبال که تسبیح گوید
در میان تسبیح گویند کان تا قیامت قائم شود و ثواب این میمید آن کس باشد
و مانند آن آیت الحمد لله ولا اله الا الله و الله اکبر در ثواب
روایت از امیر المومنین علیه السلام که فرمود که تسبیح میگرداند بین انرا و الحمد لله
پس میگرداند میز انرا و الله اکبر پس میازد زمین و آسمان او میگرداند که
در شانگاه سه بار بگوید که سبحان الله حی یقون و حی القیوم و الحمد لله
فی السموات و الارض و عیننا و حیین تعالیون قوت نشود از جوهری
در انب بوده باشد و بگردان و جمع شش روز این عباس گوید در تلیل که چنانست

از رسول ص که ثانی گفتند و کان خود را بیکه طبع لا اله الا الله که آن قتل
کنا حان بنحو بیاد گرفته این رسول الله پس کسی در حال صحت بگوید چگونه است
و نمید که پیشتر و پیشتر بخوبی از و این کلام این میکردند و من را در حال حیات
و نزد مصافات و صفا که از غیر بخیر و امام صادق و نهود که هر که صد بار بگوید
لا اله الا الله او بهترین مرد است در این روز از روی عمل هر کسی که بران زیاده بکنند
زید بن ارقم روایت کند از حضرت پیغمبر ص الله علیه و آله که هر که با خلوص کامل لا اله
الا الله بگوید البته بهشت رود و حاصل آن و آن کلام آیت که گویند که کلمه
خود را احرام نگاه دارد ابو سعید خدری گوید که حضرت رسول الله ص
فرمود که کسی که پیش ازین کلام که افضل است از کلام طبع لا اله الا الله ابو عمر از عجل
گوید که باشد چه مونی که بگوید لا اله الا الله مگر که خودکشی آن از نامه اعلا
و مثل حاتم ایجای او بنویسد ابو حنن ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین
که در اول شب صد بار بگوید الله اکبر عجاizat که صد بنده از او در حضرت
امام رضا علیه السلام فرموده که پدر بزرگوار من فرموده که هر که بگوید لا هو
ولا قوه الا بالله حق بخاند و تعالی که انداز و نود و نه نوع از مایه نیاک
استان تر آن خانی باشد و حضرت رسول ص الله علیه و آله فرموده که هر که

صبح دور کعبه فریضه صبح بکاء دارد حق سبحانه و تعالی روی دارد از کعبه
الشری در رخ و هر که باین شیخ را بگوید که شجاعتی العظیم و یحیی العظیم
اللهم ربنا و ربنا الیه بنا کند حضرت عزت خاند به جبهه از رجت و هر که بگوید
و کبار قل هو الله احد بخواند چهلین باشد در بهشت خان برای وی باشد
و هر که چهل بار بخواند حق سبحانه و تعالی او را یازده بعد از آن بگوید اللهم
انقم لی یارب الامر الذی بین الیه و العاقبه اللهم فی سبیل ذبیحی
مخرجی فان یقتل لیاخذ من خلقک علی مقدورک بوی فحده عسی من
بین یدیه و من خلفه و عن یمینیه و عن شمالیه و من قد یدیه و من
قوف زلی و کفینیه بایش و هفت بار بگوید که لبس الله الذبح
الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و بعد از آن سجده کن
و بگو یا حیه الیولین و یا جود العظین و صل علی محمد و آل محمد
و اغفر لی و ارحم فی و ازرق عیالی من فضلك ایاک ذوق
عظیم و شست که دعا کند برای برادران مؤمن در سجده خود بگوید اللهم
رب العجز و الیسالی و العفر و الشفیخ و الزمر و اللیل اذ ایتد رب کل

123

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ أَرْكَسَ بَيْنَنَا مِنْهُمَا مَلَأَ حَادِ أَوْسَطَ
 فَالْحَادِ وَآخِرُ بَعَا جَابِرُ كَوَكَرَ مُحَمَّدٌ فَالِقُ الْأَصْبَاحِ سُبْحَانَ رَبِّكَ
 الْمَسَاءِ وَالصُّبْحِ اللَّحْمُ مَضْجَعُ آلِ مُحَمَّدٍ بِرُكَّةٍ وَغَافِيَةٍ وَسِرِّدَةٍ وَفَرْقَةٍ
 وَدَيْفٍ وَاسِيعِ اللَّحْمِ مَضْجَعِي وَأَهْلِي بِرُكَّةٍ وَغَافِيَةٍ وَسِرِّدَةٍ وَفَرْقَةٍ عَيْنِ
 وَدَيْفٍ وَاسِيعِ اللَّحْمِ أَنْتَ نَزَلْتَنِي اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مَا تَشَاءُ فَأَنْزِلْ
 عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ نَزْقًا وَاسِعًا يَغْنِي
 بِرِعْنِ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَجَنِّ خَوَائِي بِكَ بِكَوِي كَبُوكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِأَقْبَالِ نَفَائِكَ وَأَدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ
 دُعَائِكَ أَنْ تَقُولَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَوَبَّ عَلَى إِلَيْكَ أَنْتَ تَوَابُ
 الرَّحِيمِ وَجَنِّ أَرْبَابِكَ فَارْعَ شِدِّي سَجْدَتِي وَكَبُولِي إِلَهُ الْإِلَهِ أَنْتَ رَبُّنَا سُبْحَانَ
 لَكَ خَاشِعًا خَائِعًا ذَلِيلًا فَقُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَبَّ عَلَى إِلَيْكَ
 أَنْتَ تَوَابُ الرَّحِيمِ دُعَائِي اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارِزًا وَعَيْنِي فَالِقَةً وَذِرْفَةً
 دَارًا وَعَلَى سَائِرَاتٍ اجْعَلْ لِي عِنْدَ مُرْتَبِعِكَ وَرَسُولِكَ وَصَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا وَحَضْرَتِ رَسُولِكَ لِيُصَلِّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَهُوَ كَدْرُ مَسَافَةٍ

فرایند این فرشته و چون روی آرد بآن بسوی نماز خود حق سبحانه و تعالی
 باین روی آید و بوجه کرم نماز او کامل و مرتفع شود پس اگر سهواً کند در آن نماز
 یا غافل شود یا مشغول شود یا بیقرار نماز برداشت شود آن نماز یعنی از ثواب
 نمازش استغناء که توجیه نماز کرده از او برداشت میشود و داده نمیشود از عمل
 غافل خیر از خیر و دیگر فرموده که فضل اول نماز بر آخرش بهتر است مومن را
 از عزت و این و مال و دیگر فرموده که فضل اول وقت با آخر وقت مثل با خشت
 بر روی آید امام حسن بن علی علیه السلام روایت کند از پدر و کوار
 خود که آنحضرت فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
 که مرد مسلمان که بنشیند در مصلی خود که در آن نماز صحیح بگذارد و دیگر آنکه آن
 برآید باشد مراد از نماز مثل وی که حج کند خانه خداست و خدا بی تقا او را
 بیاورد و اگر بنشیند در مصلی تا ساعتی بگذرد که جلال باشد در آن ساعت
 نماز برود و رکعت نماز یا چهار رکعت نماز بگذارد گناهان گذشته او و مراد را
 باشد از نماز باشد حج کند خانه خدا جای بگوید که امام جعفر صادق علیه السلام
 السلام روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حق سبحانه و تعالی

میتواند که ای پدر آدم با دکن مرا بعد از نماز صبح و ساعتی و بعد از عصر
 ساعتی تا من هم ترا خیات کنم و حاجت ترا برآورم پس چون
 سلام دادی فریضه صبح را سه بار الله اکبر بگو بعد از آن بگو که لا اله الا الله
 الشهادت و احد و تحمیل که مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا الله
 تخلفین له البین و لو کما الشریکون لا اله الا الله ربنا و انت
 ایتنا الا فیل لا اله الا الله وحده و تحده فک الملک و لا محمد
 یحیی و یمیت و هو حی الیموت یدک الخیر و هو الله علی کسب شیء قدیر
 اللهم اهذب لی ما اختلفت فی من الخیر باذنک انک تهدی من تشاء
 الی صراط مستقیم پس سه بار بگو که استغفر الله الذی لا اله الا هو الی
 القیوم ذلک لک و الا کرام و التوب الشکر انک الله الهم اهذب
 من غیبتک و اقبض علی من فضلك و انشر علی من رحمتک و انظر
 علی من نورک کما سجدت لک لا اله الا انت اعز لی و ولی کلک
 جمیعاً فانک لا تغیر الا الثوب کلقا الا انت بعد از آن تسبیح
 ناطق و هر صلوات الله علیها بگوید و چهار بار الله اکبر است و در نماز

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَارَكْنَا فِي الْخَيْرِ وَخَرَجَ فَضْلُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَتَبَ
الْحَمْدَ لَهَا دَرِي عَيْنٍ مَعَ كُلِّهَا دَرِي الْوَالِدِ بَارِكْ وَمِنْ أَمْرِ أَنْ يَنْهَكَ
لَكَ لِهَذِهِ الشَّهَادَةِ وَرَغَمَ أَنْ لَكَ ذَاكَ وَلَدَا ذَاكَ صَاحِبَ أَوَّلِكَ
ذَلِكَ أَوْ مَعَكَ حَالًا وَكَانَ رَأْفًا وَأَبْرَارًا مِنْهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاللَّيْلُ
عَلَّامُونَ لَهَا لِيُزِيلَ عَنْ كِبَرِ الْكُتُبِ الْحَمْدُ شَهَادَتِي مَكَانَ مَا دَرَسَ
وَاحْتَجَّ عَلَى ذَلِكَ وَامْتَنَى عَلَيْهِ وَاعْتَمَدَ عَلَى يَدَايِ خَلْقِي بِرَحْمَتِكَ
فِي عِبَادَتِكَ الصَّالِحِينَ أَمَّا مَعِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَيْخِي نَبِيِّكَ
صَاحِبًا صَالِحًا مَارِكًا يَمِينًا لَا حَارَ وَلَا لَدَا حُجَّتِ الْحَمْدُ عَلَى عَمْرٍاءِ
وَالْحَمْدُ وَاجْتَمَعَ أَوْلِيَايَ فِي هَذَا مَصْلَحًا وَأَوْسَطَ مَصْلَحًا وَخَيْرَ مَصْلَحًا
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرَجٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ أَلْحَمَّكَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْتَفَعَتْ خَيْرُ بَوَائِي هَذَا وَخَيْرُ مَقَائِدِ وَخَيْرُ مَقَائِدِ وَخَيْرُ
مَائِدَةٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا مِنْ شَرِّ مَائِدَةٍ وَمِنْ شَرِّ مَائِدَةٍ وَمِنْ شَرِّ مَائِدَةٍ
مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْتَفَعَتْ بَابُ خَيْرٍ فَخَرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ وَلَا تَقْلِقْ
عَلَى أَسَدٍ وَأَعْلَقَ عَلَى يَأْسِكُمْ وَفَضَّلَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ وَلَا تَقْلِقْ

مَدِينَةٍ

عَلَى يَدِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْتَمَعَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ
مَوْضِعٍ وَمَشْرِئٍ وَمَقَامٍ وَكُلِّ وَرَجُلٍ فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَفِي كُلِّ
عَافِيَةٍ وَبَاطِنٍ الْحَمْدُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَغَفَرَ لِي غَرَضًا جَزَاءَ الْغَفَارِ
بِي ذَنْبًا وَلَمْ يَخْطِئْ وَلَمْ يَأْثُمَّ الْحَمْدُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
لِلْحَمْدِ أَنْ اسْتَغْفَرَكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ يَكُنْ إِلَيْكَ ثُمَّ قَدَرْتُ
فِيهِ وَاسْتَغْفَرَكَ لَنَا عَظِيمُكَ مِنْ نَفْسِي وَلَمَّا نَفَسْتُ لَكَ بِرَدِّ اسْتَغْفَرَكَ
لِيَا أَرْثَ رَجَبِكَ بِحَالِطِكَ مَا لَيْسَ لَكَ فَعَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَغَفَرَ لِي يَا رَبِّ وَلِوَالِدِي وَمَا وَلَدْتُ أَوْ مَا رَدَدْتُ وَمَا تَوَلَّدْتُ وَمَنْ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْمَحْبَبَاتِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنَاتِ الَّذِينَ
سَبَقُوا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ لِي قُلُوبًا غَلِيظَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا بِمَا أَنْكَرْتُ رُفُوتَ
رَحِمَ مُحَمَّدٌ الَّذِي قَضَى عَنْ صَلَوةٍ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا بِأَمْرٍ وَثَقَا
وَلَا تَجْعَلْ لِي مِنَ الْغَافِلِينَ بِسَبْكِهِ أَوْ بِإِجَارِهِ أَوْ بِرَدِّهِ عَمَّا رَضِيَ مِنْ
كَ مَا زَكَيْتُ كَمَا أَحْمَدُكَ الَّذِي بَلَغَ الْيُزْنَ وَمَشَى الْعِلْمَ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَنَزَلَ
الْعَرْشَ وَاهْدَأَ الْيَزْنَ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَنَزَلَ الْعَرْشَ بِسَبْكِهِ الْحَمْدُ
إِنِّي أَسْأَلُكَ سَلَةَ الْعَبْدِ الْفَقِيرِ أَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَقَرَّرْنَا

بِهَا الشُّكْرُ

مَدِينَةٍ

کلافی که از دست راست آواز کند و مرکبی که بر دوش خود ابر دارد و کمری که در
 برابر دوش نشسته آواز کند و سه نوبت بر تیر و بنشیند و آنهایی که از دست
 راست پیاید و بخت چپ رود و جذبی که آواز دوش بر زنی که چرخ خود را
 غایبان سازد و داده و کوشش بریده را که چرخ و تنگس که در دل او از بهایدا
 شود پیاید این دعا بخواند **اَعْتَقَمْتُ بِكَ تَارِيخَ بَنِي شَرِّهَا اَجْدَفِي لِقَائِهِ**
فَاَعْتَقَمِي مِنْ ذَلِكَ از شر آن خلاص شود عیبی که بیک شخصی پسید از نام العاقه
 که یا کمروست سو کردن در یکی از روزهای یکشنبه مثل چهارشنبه و غیر آن شود
 که پیش از سوخته کن دایه الکدر سی همان هرگاه که سویش آید بر و دیگر است
 که امام زین العابدین علیه السلام بود که حج کند و عمره بگذارد تا تن درست شود
 و در زنی بر شکمشاده کرده و صافش خود و چالان پیاید و ممنوع شوند مردگان
 شما از عذاب آتش و دیگر خود که هر که پیاید حج کند و سوره انا انزلناه بخواند پیاید
 در پیاید و دیگر فرمود که کسی که از زمانه بخواند در مسکن که سوار میشود و الا که خدا را تو
 اورا سلام و از زبیده بمنزل سانه و شتری چون منت بار بچ رفت میکرد از جا
 میشت و دیگر نه بود اگر چیزی بر تقدیر خدای تو مقدم میبود من میگفتم که
 انا انزلناه است که هر که سو کند یا از منزل برود و در نزد بمنزل آید و بمنزل خود باز

کرد ان شاء الله **فصل دوم از کلام حضرت صادق علیه السلام** و آن در ذکر کردن و غیر آن
 عبد الرحمن بن حجاج گوید که امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که صدقه کن بر روز
 که بخدای سوگنی ابو عمر گوید که من نظر میکنم در بخت و ملاحظه علیک میوام
 و مرا از آن و غده در خاطر افتاد شکایت کردم بخدمت موسی علیه السلام
 ازین فرمود که هرگاه که در خاطر ازین چیزی پیدا شود صدقه کن بهر کسی که اول بچ
 بعد از آن خاطر بسج دارد و بسفر کردن رو که خدای تو آزار تو را نکند
 روایت از امام الصادق علیه السلام که هر که در صباح صدقه بدهد چنانچه
 دفع کند از بده بیای آن روز را و دیگر فرمود که پدر بزرگوار من روز چهارشنبه
 یازدهمی و یک روز تا سو میگرد و صدقه میداد بعد از آن پیران میسر بود
 محمد بن مسلم روایت کند از حضرت که هرگاه که بخت انوال خود پرور
 میفرمود سلامتی را از حضرت عت باخچه میبرد و او را یعنی صدقه میداد باخچه
 دست رس بود و این صدقه دستی میداد که پای بارک در کاب نمیت ان شب
 میبنا و چون ببات در حجت میفرمود حمد و شکر الله تقدیم میرساند و باخچه
 میبرد و صدقه میداد و همچنین میسر بود که چون خوانی سوگنی از پروردگار خود

وَأَتَى الْبَيْتَ الْكَبِيرَ فَخَفِيَ لِي نَجْوَى اللَّهِ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ حَقِّ جَعَلَهُ
وَمَا يَدْرِي مَا يَكُونُ مِنْ بَيْنِهِ مَنْ مِيدَ اللَّهُ كَتَبَهُ وَأَمَّا غَيْرُ مَنْ كَيْسَ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ
بِشَيْءٍ كَمَا مِنْ أَمْرِهِمْ أَوْ رَأَاهُمْ رَضَاهُ عَلَى التَّكَلُّمِ رَوَيْتُ كَذَلِكَ رَوَاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَاللَّهُ وَسَلَّمَ وَهُوَ كَذَلِكَ كَيْسَ سَوَاءٌ شَوْدُهُ كَذَلِكَ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
بَارٍ وَنَجْوَى يَنْوَدُ وَحَقَّقَ أَوْ كَذَلِكَ أَوْ كَذَلِكَ سَوَاءٌ شَوْدُهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
أَوْ كَذَلِكَ شَوْدُهُ كَذَلِكَ أَوْ كَذَلِكَ رَوَاهُ وَسَوَاءٌ دَعْدُ بَجَرِهَايَ أَلَا لِمَنْ أَشَاءَ
تَأْوِيلُهُ أَيْ وَكَيْفَ يَنْوَدُ كَذَلِكَ حَقِّ كَيْسَ بِرَمِ كَيْسَ أَوْ كَذَلِكَ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
وَلَا تَوَدُّ إِلَّا بِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
نَكَاهُ وَارْتَدَّ وَكَرْبُ أَوْ كَذَلِكَ أَيْ وَكَرْبُ رَوَيْتُ دَكْرُ وَارْتَدَّ كَذَلِكَ رَوَاهُ
ابْنُ دَعْدُ بَجَرِهَايَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ
وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَمْدُ عَلَى الْقَدْرِ
وَالْمُسْتَعَانَ عَلَى الْأَمْزِ وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي الشَّيْرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ
وَالْوَلَدِ اللَّهُمَّ عَصِدِي وَنَاصِرِي مَرْكَاهُ كَذَلِكَ رَوَاهُ وَتَوَابَهُ مَانِدِي
بَكُوْرَاهُ خَدَّاهُ كَذَلِكَ رَوَيْتُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ وَتَوَابَهُ مَانِدِي وَتَوَابَهُ مَانِدِي

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ سَوِيَّ عَدَدَ بَرَكَاتِكَ أَعْلَى اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ
رَزَقًا حَلَالًا لَا طَبِيعًا مَسُوفَةً إِلَيَّ وَأَنَا حَالِيضٌ فِي عَافِيَةِ يَقُونِكَ وَقَدَّرْتَ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَعْيِي هَذَا بَلَاءَ نَفْسِي بِقَبُولِكَ وَلَا رَجَاءَ لِي وَآلِكَ
فَارْزُقْنِي فِي ذَلِكَ شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ وَوَقْفَتِي بِطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ حَقًّا
تَعَدُّ الرِّضَا وَمَتَابِعَتِ كَرَمِ غُرُورِهِمْ كَحَضَرَتْ رَسَالَتُ بَاهُ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ
وَاللَّهُ طَارِدُ رَحَابِ حَشَةِ فَرَسَادٍ بَارِئَةٍ شَائِعَةٍ كَذَلِكَ هُنَّ أَوْرَثَ وَابْنِ دَعْدُ
وَأَوْرَثَهُ نَاحَتِ كَذَلِكَ اللَّهُمَّ الطَّيِّبُ فِي شَيْءٍ كَيْسَ عَمِلَ عَمِلَ فَإِنَّ شَيْءَ الْعَمَلِ عَلَيْكَ
بِشَيْءٍ أَسْأَلُكَ السَّيْرَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُنَاقَاةَ الدَّائِمَةَ فِي الدِّينِ وَالْزَّيَّارَةِ وَالْكَرَمِ
وَوَدَّاعٍ فَرُودِي رَسُوْلُكَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَرْدِي رَاوْدُ رَوْدُ
التَّقْوَى وَغَيْرِ ذِيكَ وَلِفَاكَ الْخَيْرِ حَيْثُ كُنْتُ وَحَضَرْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَامَامَ حَسَنِ
وَامَامَ حَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَقِيلٌ وَعَبْدُ اللَّهِ وَجَعَلَ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
رَضَى اللَّهُ عَنْهُمْ مَتَابِعَتِ بَوْدُ فَرُودِي وَأَنْ حَضَرْتُ فَرُودِي كَوْدُ كَذَلِكَ رَوَاهُ
كَذَلِكَ رَوَاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ وَكَرَامَ أَرَايَانِ تَكَلَّمَ فَرُودِي بَجَرِهَايَ
بَابُ وَی اَرَاَن جِلْدِ اَمَامِ حَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَرُودِي كَذَلِكَ رَوَاهُ خَدَّاهُ خَدَّاهُ
كَرُونَدُ كَذَلِكَ تَوَسَّعَ مَكْرُوْدِي اِيْشَانِ اَرَاَنَ شَائِعَةٍ وَرَغِبَتْ مَكْرُوْدِي بِرَمِ خَدَّاهُ خَدَّاهُ

رفته نفع خود را همراه میرسد که آن موجب خوشحالی آنکس است و بگویند خلق او
 و امام الصادق علیه السلام فرمود که معاشرت کن یکی که او خیرین شود و ثواب بن
 عبد ربی که یک که گفتم در این سید الله که تو معلوم داری حال مرا و دو بخش مرا بر
 برادران و میان من صاحب علمم چنانچه از ایشان در راه مکرر رعایت بسیار
 کردم ایشان را فرمود که چنین کن ای شهاب چه اگر ایشان را رعایت کردی و ایشان
 در مقابل آن توانایی نداشته باشند اینده می یابند پس نگاه داری خواری
 ایشان را و با مثل خودت معاشرت کن در داری ای و امام محمد باقر
 فرمود که معاشرت با مثل خود کن و با کسی که رعایت حال تو کند و معیشت ترا به
 معاشرت کن که این سبب خواری تو نیست و حضرت رسالت پیغمبر فرمود که بهترین
 صاحبان این کس تر و خدای تو چهار کس اند و از من است که در کتب است سبب
 پرست نیست و امام غفره الصادق علیه السلام فرمود که مسافر بسیار که تا به بهر جهت
 خود توقف کند و نمی که آن معاشرت بسیار باشد و نیز فرمود که صورت رسول
 فرمود که یکس مرتبه خدای تو بهتر آن نیست که گریه بانه بویشد و اسراف دلی کند
 نمکند که خدای تو او را دوست بیندارد و کرد و حج و عمره و دیگر فرمود که یک مرتبه خدای

همراه ما سفر کند و دیگر فرمود که بهترین دوم آنکس است و سبب که خدمت یار آن کند و دیگر
 فرمود امام صادق علیه السلام که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در هر روز یکی از شما
 بکشد خدای گشت من یکم این که سقند را و دیگری گشت که من پرستش میکنم و دیگری
 که من می پرستم آنحضرت فرمود من اینم در حبس میکنم یا در آن بکشد یا رسول الله شهادت
 بکشد جان فدا می نماید یا اینها را بجای هر تو پرستم آنحضرت فرمود که من سیدانم که شما
 این خدمت میکنید اما خدای تو مکرر میدهد و بدهد و اگر در میان معانین بکار بند
 و کار خود را در آن ایشان اندر داری پس بر پای خواریست و همه را جسد من فرمود آنحضرت
 هرگاه که بنویزفت سر و دست تو در آن و سواک همراه میبرد و امام جعفر صادق علیه السلام
 فرمود که لقمان حکیم با پس خود گفت هرگاه با جمع که تو کنی باید که در کار با ایشان
 مشورت کنی و در روی ایشان شان داران و خندان باشی و در وقت خودت ایشان
 کرم کنی و ایشان در میان نمر و هرگاه که ترا خواست اجابت نمایی و اگر انکار
 طلبند یاری کنی و خاموشی داشته خود سازی و غار بسیار کز روی و امام لقمان فرمود که
 بسیار بجای آوری و آنچه داری از لاغ و آب و نوشیدنی در هر روز بنمایا
 معافیت کن هرگاه که از تو که امر خواستند بهر کار که بیاورد و در میان سیدای

و چون سوار شود تو هم با ایشان سوار شوی و هرگاه که مدتی یا قرصی دهند تو نیز
با ایشان اتفاق کنی و کسی که در شب از من بزرگتر باشد بشنوی و هرگاه که
آمد گشته بخیزی یا از چیزی طلبند قبول کنی و جواب ندی که جواب بد
و هرگاه که در راه میخیزد و فرود آید و مشورت کند و هرگاه کسی را بپند راه را
از او سؤال میکنند جواب ده که جایسرس در آن باشد یا شیطان که خواهد
شمارا حیران کند و آن کند و از او کسی بترسد که دیدید پیر هفتصد سال که از قول
ایشان دریابید که از زمین و غنی میت و عجمین کت لقمان با سپر خود
که ای پسر هرگاه که وقت نماز در گنبد او کنی و در آخر وقت بنشیند از بعد از آن
استراحت کن از آن زیر که آن دینی است بر تو و نماز را بجا می آید
و در هر جای که ممکن باشد و بر بالای هرکس خواب کنی که جمیع میز او را کن
از منظر مکانیت مگر آنکه در محض باشی که ممکن باشد ترا عدد و حجت است
و مفصل و چون بمیرد نزدیک از هر یک فرود آیی و لورایه علف کند
و غم او بخوریش از خود چه او ترا بیکشد و چون خواهی که فرود آیی جاسی
اختیار کنی که خاکش نم باشد و عین بسیار و چون فرود آیی و در کت نماز

بگذار

بگذار پس ترا نوی در آیی و ترا نو بر زمین روان شود و حالتی که روی قتل باشی و دست ترا
تو بر بالای دست چپ بود و بگوید که اللهم استأنت ان یصلح لک الشیء الا خیرات
و حایب الا لایک انتخذ من لا یشذ عن عملک اجمل که من از من خواهم
و لذت من من حیات احب و من لا یخلف من بعد من دیکو می باشد
اجمل که در نماز قضا کن پس هرگز در دو شنبه تو طوع کند که در بقیه غیر اعم
چون شکی پیش آید یا اهل خود را کردی که یا اهل الله صلوا صلوا و یا فی ربنا
چهار رکعت رکعت اول الحمد یکبار و ده بار ربنا و اجعلنا من ذلک و من ذلک
اُمِّه مملکة لک و ازینا بکننا مکننا و نب علینا انک انت المقلب العظیم
و در رکعت دوم الحمد یکبار و ده بار رب عظیمی میثم الصلوة و من ذلک ربنا و قتل
دعای ربنا اعقر لی ولوالدی و للمؤمنین یوم یوم الحساب و در رکعت سیم یکبار
الحمد و ده بار ربنا هب لنا من اولادنا و ذلک یا یسافر اعز و اجعلنا للمتبحرین
امامنا و در رکعت چهارم الحمد یکبار و ده بار ربنا و قتل انک انت المقلب العظیم
اللی انت علی فعله و الذی و ان اعمل صالحا توفیه و اعمل فی ذلک
انی ثبت الیک و انی من المسلمین و چون سلام بدی بگوید ربنا هب لنا
انا آخر نماز برای پدر و مادر و در رکعت در کت اول الحمد یکبار و ده بار ربنا و عظیم

وَلِلَّهِ الَّذِي هُوَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامِ الْحَسَابُ وَدُررکت دوم فاعترکبار و ده بار
 رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَرَبِّ دُخْلُ مَعِ ثَوْبِي وَالْمُؤْمِنَاتِ
 و بعد از سلام ده بار بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَرَبِّ دُخْلُ مَعِ ثَوْبِي وَرَبِّ دُخْلُ مَعِ ثَوْبِي
 و در هر رکعتی فاعترکبار و پست بار رَبِّ اغْفِرْ لِي وَرَبِّ دُخْلُ مَعِ ثَوْبِي وَرَبِّ دُخْلُ مَعِ ثَوْبِي
 شود سجده کند و این آیت را ده بار بگوید تا از جهت تو انکس و در رکعت است
 و در هر رکعتی فاعترکبار و در دو رکعت قُلْ اللَّهُمَّ مَا لَكَ لِلْمَلِكِ مِنْ شَأْنٍ
 اَوْفِرْ اللَّهُمَّ مِنْ شَأْنٍ وَتَكَلَّمْ لَكَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
 و چون سلام بدهد و ده بار بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَاثِقْ خَيْرَ الْأَشْيَاءِ
 و ده بار بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سجده کن و بگوید رَبِّ
 اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي لَكَ الْإِسْمَ الْإِخْتِصَافِي الْإِخْتِصَافِي إِلَيْكَ أَتَتْ
 الْوَقَائِبُ فَازد بگوید و در هر رکعتی فاعترکبار و پانزده بار بگوید
 قَرِيبُ عِدَّةِ أَزَانِ سَلَامٍ بَدْعُ دُودِهِ بِارِصَلَاتِ بَرِّهِ وَآلِ أَوْفَرِ سِدِّسِ
 کند و ده بار بگوید اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ خُلُقَاتِ مَا جَهَنَّمُ أَدَايَ قَرِيبِ
 چهار رکعت در رکعت اول فاعترکبار و مؤمنین ده بار قُلْ هَلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ
 و در رکعت دوم فاعترکبار و آیتا لکرسیده بار وَتَكَلَّمْ لَكَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مَسْخَرًا إِلَى الْعَفْقِ الْعَفْقِ حَفَّتِ الْمَامُ الصَّادِقِ عَزَّمُوهُ كَمَا هِيَ آيَةُ
 از قرآن بخواند بعد از آن بگوید یا ایاکرم و اگر پرسنگهای نزدیک خواند از تیر
 بر کند و عجبی شمل بر اسم اعظم مقولست از معاد بن جبل که گفت روزی
 بخدمت رسول صلعم مرابط عبد الله سلام فرستاد پس حاضر شد نزد آنحضرت
 جمعی از اصحاب آنجا حاضر بودند فرمود که یا عبد الله خبر ده مرا از تو کلمه
 خدای تعالیم بر اسم عا کرد روزی که او را در آتش می انداختند آیا تو
 از او توبه یافته عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد آیا تو در باب
 این کلمات چیزی نازل شده که من در توبه یابم تو اب ایامه سلام و ان
 کلمات را یافتم ده دعاست که در آن اسم اعظم است بعد از آن آنحضرت
 فرمود که این کلمات را خدای تعالی توبه یابی بجهت تو فرموده است بعد از آن
 عبد الله گفت که بفرما از ابراهیم خلیل دیگر را تعلیم نموده بعد از آن آنحضرت
 فرمود که چه یافتی تو اب آن کلمات را در توبه یابی عبد الله گفت یا رسول الله که
 تو انبیا بی آن باشد که توبه یابی پس بد لیکن در توبه یابی نوشته یافتم که
 حج بنده نیست که حق سبحانه و تقدیر بر او نیست کرده ای این کلمات را در
 دل او نهاده باشد مگر آنکه روز را در دیده و یقین را در هویدا دل او بجای آید

ع

باشند و سینه او را بطریق ایمن کشته و از برای او نور از عرش
سافرش آید آن کد را سینه و بیامات کشته با او فرستگان در هر روز
دو بار و حکمت را در زبان او جاری گردانند و حق کلام را در ذی او
سازد اگر چه بران عریض بیاخ و او را در علم دین عالم گردانند و محبت
او در دل بندگان خود جای دهد و این گردانند او را از غدا بفرستند
و جلال بزرگترین قری در روز قیامت و او را از زمره شهیدان کشته
گذاشتند و فرایه حق سبحانه و تعالی عطا فرماید آنحضرت کرامت و نور بآیند
و ترسد گاهی که مردم ترسند و محزون می شوند و از حدیث آن نرسند و چون
کنند دل او مطمئن شده باشد و از جمله گاهی شود که با ابراهیم خلیل علیه
السلام پیوسته بیاخ و هر چه باین دعوت از ضایق خواهد داد و عطا فرماید و
هر که که بخندای خود و آن را راست سازد و عطا فرماید ضایق خواهد
در خانه جلال و او را بر شهید بدید که از روز اقامت در دنیا شهید نخواهد
انحضرت فرمود که باین سلام خانه جلال است جنات عدن که موضع است
گفت یا رسول الله ما را تقسیم کن و بر ما است نه چنانکه خدا می فرستد
نهاده پس انحضرت فرمود که خدا را بچند کینه پس هم بجهه کردند

و امن الرسل لا تفرده بار چون سلام بدید و در رکعت اول دو بار بگوید سبحان الله
الایة الایة سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله العزیز القهار سبحان الله
الکبیر سبحان الله یغیر عید المنقر و لا صاحبنا و لا ولدنا و در رکعت دوم یکبار
یکبار و الهی که بار چون فارغ شود دست یار و سجده بگوید که اللهم انی
امسک الشیء کل شیء فان فی العیة علیک و لیست بعد من سبها
کنده بگوید الحمد لله رب السموات و الارض رب العالمین و لا
الکبیر فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و در رکعت سوم یکبار
سجده است از ابی عبد الله علیه السلام که هر که رسنه شود و در رکعت نماز بکند از رکوع
رب العزیز فانی جابج حق سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد و دیگر
فرموده می که دعا کند برای برادر و نیای خود غایبانه میگوید یا رب
و فرماید که از روی ما را و دیگر فرمود که فاطمه زهرا علیها السلام آمد بخدمت پدر
بزرگوارش و از کسب کسب نکایت کرد فرمود که ما را بکبریا مشیخ الجوعه و ما
رافع الوضیعة لا یخرج فاطمة بنت محمد و او را فرمود که و طاعت باین دعا
نماز بخدمت حاجت مقولست که ابی عبد الله علیه السلام فرمود که چون غمی از دست
بکند و بر خیزد و در رکعت نماز بکند از رکعت اول فاخت و بفرموده اللات

بخواند و در کتب و در بیرون کتب و در میان مردم و در میان
 الملئکین و قمارت النجوم و کائنات الخالقین و المخلوقین و لا یوم
 لک فی کل ذلک و لا یجوز و لا یستطیع و لا یقدر و لا یستطیع
 معاد و لا یجوز و لا یستطیع و لا یقدر و لا یستطیع
 المستغنیین بر حمتک ما سئیت فضل علی محمد و آل محمد و اقرب
 حاجه کذا و کذا و لا یزیدی خایه و لا یزیدی ما یجوز
 عاقله و در کتب و در بیرون کتب و در میان مردم و در میان
 محمد علی الحسن و الحسنین و الاخریه المصنوع علیهم الصلوة و السلام و بنو
 نل هو الله احد ما اخبر بعد ان تکلم الله الناصر اذا انظر و انظر بعد
 اذا اوجی بفتور و بفتور و بفتور و بفتور و بفتور و بفتور و بفتور
 و اسمیک و ولیک و اولیایک علیهم الصلوة و السلام و اولیایک
 فاعطی کل الذی اجبت من الخیر و لا یجوز و لا یستطیع و لا یقدر و لا یستطیع
 بنوین و سلمی که هیچ بر و بیاخ از مداد و در میان سطر کتاب بر قوه که شکل
 باشد بر حاجت جا که هیچ سطر در آن جسمه ازین عودت عالی باشد
 محمد و علی و ابوتراب بسم الرحمن الرحیم الملك الحق الباقی

بحی

ان الله

ان الله وعد الصابرين للنجح مما یملکون و لا یزول و لا یزول
 ان الله هو السبع العلیه جعلنا الله وایاکم من الذین لا یزول
 علیکم و لا یزول و لا یزول و لا یزول و لا یزول و لا یزول و لا یزول
 و الحسن و الحسنین و الاخریه المصنوع علیهم الصلوة و السلام و بنو
 تسلیما ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یخیر ایدی و یصلی علی
 و ترزقی خیر و یغفر عن سیرین بر حمتک یا ارحم الراحمین فموسى
 از امیر المومنین علی علیه السلام گفت مرا که در کتب و در میان مردم و در میان
 بن و دعاکم اللهم انی اسئلك اخبارات الحسین و معافقه الابرار و ان یخیر
 حایر الایمان و القیمة من کل بر و السلام من کل شر و یجوب
 و حمتک و غایه و غفرک و الغور و المحنة و النجاة من النار فموسى
 و دعا علی بر آمدن جنت و عاقله و در کتب و در میان مردم و در میان
 جون تقدیر ان خواندن کردی پیش از آنکه معصی بر و در این دعا خواند که
 اللهم انی اشهد ان هذا کتابک المزیل من عندک علی سبیلک
 محمد بن عبد الله علی کتابک الناطق علی لسان نیک جلله طاریا
 منک الی خلقک جلایما ینک و ینزعج ذلک اللهم انی اشهد ان

اللَّهُمَّ نَجِّنِي فِي عِبَادَةِ رَفَاءٍ فِيهِ فِكْرٌ أَوْ فِكْرِي فِيهِ
 اجْعَلْ رَأْيِي مِنْ أَعْيُنِ بَنِيَانٍ مَوَاطِنِكَ وَاجْعَلْ مَوَاطِنَكَ
 وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي رَأْيِي عَلَى قَبْلِي وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَى عَيْنِي
 عِشَاءً وَلَا تَجْعَلْ قِرْلَوِي قِرْلَاءَةً مِثْلَ تَقْرِيقِهَا بِلِجْلِجِي أَنْدَبِي
 إِلَيْهِ وَلِحَكَايَةِ أَخَذِ بَشَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ قَطْرِي
 غَفْلَةً وَلَا قِرْلَوِي مَدْرَأً لَكَ أَنْتَ الثَّابِتُ الْحَكِيمُ دَعَايَ عِدَا قِرْلَوِي
 قِرْلَوِي اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَهُ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي
 أَنْزَلْتَ عَلَى نَبِيِّكَ الْقَادِرِ صَلَوَاتُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْغِيَاثِ
 مِنْ كُلِّ حَالٍ وَرَحِمَ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِحُكْمِهِ وَتَعَالَى عَنْهُ لَجْلَلُهُ
 إِنْسَانِي نَهَى إِنْسَانِي حَشِي وَاجْعَلْ مِنْ تَرْتَابِي بِكُلِّ أَمْرٍ قَرَاهَا
 دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ آمِينَ يَا عَالَمِينَ دَعَايَ نَدَاوتِ سَبِيحَتِي
 بِكُودِ سَجْدَةٍ تَلَاوتِ قُرْآنٍ يَكْفِي وَاجِبَ جَهَارِ سُورَةٍ كَدِيمَةٍ وَيَمْنَتِ
 جَانِبِي كَدِيمَتِ تَوَكُّبِ خِدْمَةِ أَوْدَعِيثِ كَدِيمَتِ كَدِيمَتِ الْإِلَهِ حَقًّا
 حَقًّا لَا إِلَهَ مَدَقًا وَإِيْمَانًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَتَبَدُّوْنَا بِمَجْدُوكَ
 يَا رَبِّ تَعَبُدُ وَرَقًا لَا مُتَكَبِّرًا لَنَا عِبْدُكَ قَبْلَ مُصِيفِ خَائِفِ

مستحضر

حِينَ سَرَّازِ سَجْدَةٍ مَدِيدَةٍ وَنُودِ كُودِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 مَرُوبِ مِنْكَ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ أَنْتَ الَّذِي لَجَّجْتَ دُونَ
 خَلْقِكَ فَلَا يَذَرُكَ نُورٌ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي
 أَرْقَعْتَ قُوَّةَ حَرِّكَ مِنْ قُوَّةِ سَمَائِكَ فَلَا تَصِيفُ عَصَمَتِكَ
 أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ قَدْ اسْتَنَارَ نُورُكَ أَهْلَ سَمَائِكَ وَرَأْسُكَ
 بِضُوءِكَ أَهْلَ أَرْضِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ
 غَيْرُكَ تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ وَتَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ وَلَدُكَ
 وَتَكَلَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَتَحَرَّيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ صِدْقَانَتُكَ اللَّهُ
 الْحَسْبُ بِكُلِّ لِسَانٍ وَأَنْتَ الْعَبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَأَنْتَ لَدُنْكَ
 فِي كُلِّ أَزَانٍ وَأَرْوَاحُ النُّورِ كُلِّ نَفْسٍ حَامِدٌ لِنُورِكَ يَا مُلِكُ
 كُلِّ مَلِكٍ تَعَالَى خَيْرُكَ يَا دَائِمُ كُلِّ حَيٍّ مَيُوتُ عَمَلُكَ يَا اللَّهُ
 يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَرْجُو خَيْرَ خَيْرٍ تَقْطَعِي بِهَا عَصَمَتِكَ وَتَكْفِي بِهَا
 عَذَابِكَ وَتَرْفَعِي بِهَا سَعَادَةَ مَنْ عِنْدَكَ وَتَخْلُقِي بِهَا دَارَكَ الْفَقْرِ
 لِكُلِّهَا خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ رُوِيَ عَنْ عَمْرِو بْنِ
 شُعْبَةَ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

٩
 —

در حالی که مستی و شادمانی بود گفت السلام علیکم یا محمد فرمود که علی السلام
 ای محمد هر که خود را حق سبحانه و شرف ستاده مرا بتوی تو بدین نیت بود که
 بدین که است گفت همه نیت از گنجای عرش کرامی فرماید تر آن
 فرمود که کلمات که است ای محمد گفت که یا منظر العظیم ویر القیوم
 یا من لم یولّد بالجمهره ولم یبعث الشرا عظیم العفو یا خیر النقاد
 یا واسع العفو یا باسط الازین الذی یا صاحب کل نحو
 و من کل شکی یا کریم الصبح یا عظیم المنی یا من یزید النعم
 قل استغفر الله یا ربنا یا ربنا و یومنا یا غایت ربنا یا الله ان
 لا تسخر خلقنا لک و ان تعذبهم و لو الذی یرحمتک یا ارحم الراحمین
 و ان تملیک حیة الدنیا و الاخری انک علی کل شیء قدير
 و الله اعلم بالصواب و الله اعلم
 حیدر کل را علیه السلام که ثواب این کلمات چیست کت مبادت مبادت
 منقطع شود و عمل اگر اجتماع نمایند در مکان منست آسمان و منست زمین
 بر آنکه وصف کنند ثواب این کلمات را روز قیامت وصف نشانند کرد
 از هر ابر خود و بگوید هر گاه بنده کت که یا منظر العظیم ویر القیوم ویر القیوم ویر القیوم

و بگوید

حق سبحانه دقت قیام و کنایان او را در جنت کند بر در وینا و نیت
 و هر گاه کت لم یولّد بالجمهره و لم یبعث الشرا ویر القیوم سبحانه ویر القیوم
 او را کند روز قیامت و بگوید او را اندر در روزی که برود در دیده شود
 و هر گاه که یا عظیم العفو گفت می آمرزد حق سبحانه دقت جمع کنایان او را
 اگر چه مثل کت دریا باشد و هر گاه که کت یا خیر النقاد حق سبحانه ویر القیوم
 سبحانه میکند از دشمنهای روزی و خسر خوردن و المایل وینا ویر القیوم
 از گنجای عرش کرامی و یا واسع العفو حق سبحانه ویر القیوم وینا ویر القیوم
 رحمت پس او عرق کرد در جنت اگر تا از دنیا بران بود و هر گاه کت که
 یا باسط الازین یا کریم الصبح یا عظیم المنی یا من یزید النعم
 و هر گاه کت یا صاحب کل نحو و من کل شکی یا کریم الصبح یا عظیم المنی یا من یزید النعم
 او را از هر ابر ثواب هر صفت زده و هر سالم و هر صفت بایستد و هر یک و هر یک
 و هر صاحب صفت آرزو داشت و هر گاه کت یا کریم الصبح حق سبحانه ویر القیوم
 او را بکرات خود مخصوص کرد و اند چنانچه ابتدای کرم را مخصوص میکردند و
 هر گاه کت یا عظیم العفو یا منظر العظیم یا خیر النقاد عطا میفرماید حضرت عزت او را

از لعل و بیدار گشت که نعمتی او بجای آورد و هرگاه گشت یار بنا و سید ناد
 مؤلفینا حق سبحانه و قدر فرماید ای فرزندان من گواه باشید که من اورا از زمین
 و دادم اورا ای بعد از چننه افزیده ام اورا از بهشت و دوزخ و صفت آسمان
 و صفت زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطری باران انواع
 خلق و کوهها و تنگ و ریزه ها و خاک و غیر آن و عرش کرسی و اندک
 و هرگاه گشت یا مؤلفینا پر کند حضرت شان دل از ایمان و هرگاه گشت
 یا عاقبت رغبتا یدهد اورا ضایعی در غایت مثل غبت یا ضایعی و هرگاه
 گشت استلک بالهوان لا تشق خلقی بالتام حضرت عت سرایه
 که بنده من طلب ضایعی و ازادی نیاید از دوزخ و گواه باشید ای فرزندان من
 که من آزاد کردم اورا از آتش و دوزخ و آزاد حستم پدر و مادر و سایر بندگان
 اورا و پدرم شفاعت اورا در نه هر کس از آمانی که در جیه شتر بود این
 در دوزخ و آمان دادم اورا از نار پس ای محمد یابین دعا مومنان و تقیان
 و میاموزان منافقان که این دعوت مستجابست مرد عاقلانند کان را
 است را بعد قدر این دعا اهل بیت است که خوانند انانکه بگوید ایشان کرده

و هر

و طلب حاجت هر که خواهد از خانه بیرون آید پس باید که بگوید ترویسرون کن
 بسم الله و الله و لا حول و لا قوة الا بالله تو حکمت علی الله و الحمد و قل اعوذ برب
 العلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیه الکرسی بخواند از پیش و پس از آن
 و بپوشد و بالا و زیر خود چون باز آید بخانه بگوید بسم الله و الله و لا حول و لا قوة الا بالله
 الا الله و صد لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسول الله پس سلام کند بر اهل
 خانه اگر کسی نهد و اگر کسی نماند بخانه بگوید بعد از شهادتین السلام علی محمد
 بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الطاهراتین المقودین السلام علی
 عیاد الله الصالحین و هرگاه در آید یا زار از برای حاجتی پس باید که بگوید لا اله الا الله
 الا الله و صد لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسول الله و بعد از آن سلام کند بر اهل
 خانه یا مؤلفینا هو الامن لا اله الا هو یا مؤلفینا هو الامن لا اله الا هو و نیز در طلب حاجت
 مرویت از ابی عبد الله که فرمود پدر زکوار من نه بود که هرگاه کسی حاجتی بخواهد
 سجده کنی و قرات و بر کعبه و در سجده منت یار بگوید یا ارحم الراحمین بگوید یا ارحم الراحمین
 این دعا را که هر حق قدر فرماید که اینک ارحم الراحمین طلب کن حاجت خود را
 روایت از ابی عبد الله هرگاه مردی غمی و دردی برسد یا بیکه زانو ها
 خود را یا دسهای خود را برهنه کند و بپایانده بر زمین و سینه خود را بر زمین بگذارد

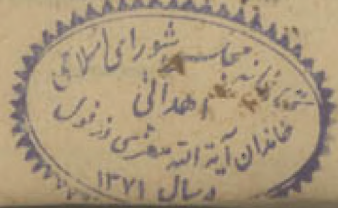
وَبِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ امْتَحِنُوا اللَّهَ وَقُوَّةً مِنْ خَوْفِهِمْ وَفَوْتَهُمْ وَامْتَحِنُوا رَبَّ الْعَرْشِ
وَمِنْ شَرِّ خَلْقٍ مَخْلُوقٍ بِاللَّهِ وَالْكَوْنِ وَالْإِلَهَةِ **وطلب روزی آخر**
صادق منقول که می فرماید که در روز آخرت روز قیامت که می فرماید که این ربکوی ان گار
در فی السماء فانه و ان کا فی الارض فاطنه و ان کا ان فیها
فان طیسه و ان کان قد اعطیته تبارک فیها بحسبى علیه المعاصی والردی
منقول از حضرت امام رضا علیه السلام که می فرماید که این ربکوی که در روز قیامت
فرمود که باینک نماز بکوی چاکر مودن که بید و می که او را باینک بشنوی و خوف منقول
از امام صادق علیه السلام که چون در سفر و صحرا پیشی از حرم و آدمی در سی دست را بر سر و پاوار
بست بخوان که اغیر کیر الله یعون و که من سلم من فی السموات والارض
طوعا و کرها و الیه ترجعون مرویت که چند چهار پایی بدیاجام باشد این آیت
کوش او بخواند و دیگر بگوید اللهم سخرها و بارک فیها و اجعل فیها خیر و لا یبدل من
سوره انما اتزلنا به بخواند حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که هرگز چهار پایی
بسر در نیامد پرسیدند که سبب چیست فرمود زیرا که او را هرگز در زراعت نراند
منقول از ابی عبد الله که چون از شیر ترند که بغیرت ایشان و کوفته ایشان
رساند پس دایره در اینجا بکشند و این دعا بخوانند که اللهم رب انی اب

دلیل

و الحیت و رب کل سید مستأید لحفظه و لحفظه علی غنم هرگاه ترسد از مکان
و دوان باید که بگوید قل الذین آمنوا و اجمعوا للذین لا یؤمنون ایام الله الخیر فیما
بما کانوا یمکون و اذا قرأ القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالافرة
جبابرة مستورا جعلنا علی قلوبهم کنه ان یفقهوا و فی اذانهم و قراوات
وان یروا کل آیه لا یؤثروا بها حق اذا جاءک یجاد لک و یقول الذین
کفرُوا ان هذا الا ساطیر الا و لکن منقول که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود
که ای علی هرگاه شیری را به منی و کابر بر تو سخت کرد و سه بار بگوید و دیگر بگوید
الله کبر و لجل و اعزها عظم من کل شیء و اکبر و اعز من خلقه و اقدر
اعوذ بالله من شر ما اخاف و اخذت شریکته کما یتهم منقول که رسول الله
قال خبر اوست داشتی و قال نعم را کرده انگاشتی و از فرمودی که ای که خبری
و شوم و از دیگر بگوید اللهم لا یؤتی الخیر الا انت و لا یدفع السیئات الا
انت و لا یحول الا فی الا بک منقول که امام صادق علیه السلام فرمودی که من تصور
دوانی رفت و او را غضبک یافت این دعا خواند غضب او نشسته شد یا عی
عند شیدتی و یا عوفی عند کربتی احسن بعینک الثالیام و اکتفی برکتک
الذی لا یم یجوع و لا یضع رتبه و یقتل و یند کل احوال الله

اَوْ دَعَا الرَّحْمَنَ اِيْمَانًا دَعَا قَوْلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا يَجْعَلُ مِنْ صِلَاؤِكَ وَلَا
 تَخَافُ وَاتَّبِعْ بَيْنَ ذَلِكَ سِيْلًا وَقُلْ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَخْذُوكَ اَوْ لَمْ يَكُنْ
 لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْاَلَاكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلٰلِ وَكَيْفَ تَصْبِرُ
 مَقُولَتِ اِنْ لَمْ يَكُنْ عَزْمُكَ جَنِّ كَيْفَ رَغَبْتَ اَيْدِيًا وَاسْتَاوَدَ بِاَيْدِيْهِ عَيْنَيْهِ
 اَوْ اِيْلَ كَرْدُو اَكْرَمِي رَغَبْتَ مَسْتَوِي ثَوْرِي حَسْمِ اَوْ رَاوَتْ بِالْاَلَةِ عَيْنُ اَوْ اِيْر
 يَابِدُ رَسْمِ اَوْ اَنْحَفَتْ مَقُولَتِ كَمْ دُرُوقَتِ عَيْنُ بَيْنِ دَعَا جَوَانِدِ اللّٰهُمَّ اِذْ هَبْ عَقْلِي
 فَيُطَاعِي وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ صُلَاقَاتِ الْفَتَنِ اسْئَلُكَ رِضَاكَ
 وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ مَخْطَاكَ وَاَسْئَلُكَ جِسْمَكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ بَارِكٍ وَاَسْئَلُكَ الْخَيْرَ
 كُلَّهُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَبِيٍّ سَلَّمَ اَللّٰهُمَّ سُبْحُو عَلَيَّ الْهَدْيَ وَاَنْصُرْ بِي وَاَنْصُرْ بِي
 اَبْجَلِي رَاغِبًا مَقْبُولًا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مَقْلُورٍ وَرَدِيْتُ قَدْسِي وَارْدِيْتُ بَنِي اَدَمَ
 اِذْ كُنْتُ فِي حَيْثُ لَعْنَتُكَ اِذْ كُنْتُ حَيْثُ رَغَبْتَ فَلَا اَمَّ لَكَ سِوَاكَ سُبْحُو
 يَسْمُو اِيْ سَرْزَنْدِ اَوْ مَ يَادُ كُنْ مَرَا جُونِ تَرَا عَيْنُ اَيْدِيْ كَمْ تَرَا يَادُ كُنْ جُونِ مَرَا عَيْنُ اَيْدِيْ
 پَسْ جُونِ مَرَا يَادُ كُنْ مَرَا جُونِ تَرَا عَيْنُ اَيْدِيْ كَمْ تَرَا يَادُ كُنْ جُونِ مَرَا عَيْنُ اَيْدِيْ
 عَقَبَ حَوْزِ اَزْمَرْدَمَ يَزْدَارِدُ حَسْبَانْدِ دَهْ عَقَبَ خُورْدِ اَزْمَرْدَمَ يَزْدَارِدُ دِيْنِ عَقَبَ
 بَايْدِ كَمْ صَلَوَاتِ بَرِيْنِ وَاَلْ اَبْرَسْتِ وَبِكُوْبِ وَيَذْهَبُ الْفَيْضُ لَوْ بِهَسْبِ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي

مسموعه
 لفظه
 بالبر
 و هو
 من الميرزا حسن



ذوق